



مذاکرات مجلس

دوره ششم تقنینیه

صورت مجلس یکشنبه ۲۹ آبان ۱۳۰۵ مطابق ۱۵ جمادی الاولی ۱۳۴۵

۳۱

غائبین با اجازه - آقایان: میرزا عبدالباقی جمشیدی
مازندرانی - حاج میرزا حبیب الله امین - علی خان اعظمی -
آقاسید حسن مدرس - طباطبائی دیبا.

مجلس دو ساعت و نیم قبل از ظهر به ریاست آقای تدین
تشکیل و صورت مجلس سه شنبه بیست و چهارم آبان ماه قرائت
و تصویب شد.

غائبین بی اجازه - آقایان: محمدولی خان اسدی - سیرزا ابراهیمخان قوام - محمد هاشم میرزا افسر.

دیرآمده با اجازه - آقای: حاج حسن آفاسلک.

دیرآمدگان بی اجازه - آقایان: فیروزسیرزا فیروز - مرتضی قلیخان بیات - حاج شیخ بیات - سیرزا حسینخان پیرنیا.

آقای احتشامزاده راجع بلزوم حفظ عجزه و فقراء شرحی تقریر و تقاضا نمودند بدولت تذکر داده شود مبلغی از اضافه عایدات طرق و شوارع از طرف وزارت مالیه به بلدیة داده شود که عجزه و فقراء را جمع آوری نموده و وسائل آسایش آنها را در این فصل زمستان فراهم نمایند.

آقای حاج آقارضا رفیع راجع به محسب عدله از تجار ایرانی در بادکوبه و لزوم اقدام عاجل از طرف دولت در این موضوع اقدام در اختتام انتخابات گیلان شرحی اظهار و یک فتره خبر از کمیسیون عرایض و مرخصی راجع به مرخصی بیستروزه آقای عدل قرائت و نسبت به آن رأی گرفته تصویب شد.

خبر شعبه اول سابق راجع به نمایندگی آقای آقاسیررا حسنخان وثوق مطرح و آقای دشتی شرحی مشعر به عدم صلاحیت ایشان برای نمایندگی مجلس شورای ملی اظهار و آقای فاطمی مخبرشعبه شرحی دفاعاً تقریر نموده و نسبت به راهپورت سزور اخذ رأی شده نمایندگی ایشان تصویب گردید.

آقای رئیس اظهار نمودند لایحه اتوبوس رانی که در جلسه قبل جزء دستور معین شده بود و نقایصی دارد و لکن خبر به کمیسیون داخله راجع به قانون بلدی حاضر است چنانچه مجلس موافق باشد جزء دستور شود.

آقای دادگر اظهار مینمودند نظر به اینکه طرز انتخاب هیئت رئیسه کمیسیون داخله بین اعضاء کمیسیون مورد اختلاف واقع شده بهتر این است این موضوع فعلاً جزء دستور نشود تا قضیه مختلفیه حل شود و بالاخره برای اینکه خبر سزور جزء دستور شود رأی گرفته تصویب و در ضمن شور کلی آقای فهیمی مخالف بوده و اظهار مینمودند در این قانون بطور کلی مسائلی قید شده که با وضعیت فعلی مملکت متناسب نبوده و از طرف دیگر بعضی مسائل لازمه از قبیل تعیین حوزههای بلدیة و وظائف هیئت شوروی و هیئت اداری بلدیةها در این قانون معین نشده و بالاخره قابل اجراء نخواهد بود.

آقای آقاسید یعقوب اظهار مینمودند این مسأله سبب مخالفت نمی تواند بشود و بدیهی است در ضمن شور هر یک از آقایان نظریه داشته باشند ممکن است پیشنهاد نمایند و قانون اصلاح شود.

ورود در شور مواد تصویب و در ماده اول آقای شریعتزاده نیز مختصری مشعر بلزوم تجدیدنظر در این قانون و ارجاع به کمیسیون تقریر و آقای شیروانی اظهار نمودند فعلاً شور اول است و طبعاً به کمیسیون ارجاع خواهد شد و لازم است اصلاحاتی که به نظر آقایان میرسد پیشنهاد و در کمیسیون اصلاح شود.

آقای فهیمی مجدداً در تعقیب اظهارات سابقه خود و آقای معاون وزارت داخله توضیحاً شرحی تقریر و چند فقره اصلاح از طرف

کل مالیه مذاکره شده و قرار شده است مبلغ یکصد هزار تومان برای هذه السنه و سنه آتیة از طرف وزارت مالیه پرداخته و در آتیة از بابت صد نیم مالیاتها محسوب شود و صورت مدارس و ترتیبات آنها عنقریب به مجلس شورای ملی تقدیم و شروع به عمل خواهد شد.

آقای معاون وزارت داخله در جواب سؤال آقای احتشامزاده راجع به تصرف اراضی ورثه مرحوم شیخ عبدالحسین از طرف اداره ابنیه اظهار نمودند به اداره سزور اخطار شده است سوجبات رضایت مالکین را فراهم آورند و با آنها مشغول مذاکره هستند.

جلسه آتیة به روز سهشنبه اول آذرماه سه ساعت قبل از ظهر

صورت مشروح مجلس روز یکشنبه بیست و نهم آبان ماه ۱۳۰۵ مطابق پانزدهم جمادی الاولی ۱۳۴۵

مجلس دو ساعت و نیم قبل از ظهر به ریاست آقای تدین تشکیل گردید.

صورت مجلس روز سهشنبه بیست و چهارم آبان ماه را آقای آقاسید ابراهیم ضیاء قرائت نمودند.

رئیس - آقای احتشامزاده. (اجازه)

احتشامزاده - قبل از دستور.

رئیس - آقای رفیع. (اجازه)

حاج آقا رضا رفیع - قبل از دستور.

رئیس - آقای عباس میرزا. (اجازه)

عباس میرزا - بعد از تصویب صورت مجلس.

رئیس - آقای دولتشاهی. (اجازه)

دولتشاهی - قبل از دستور.

رئیس - نسبت به صورت مجلس مخالفی نیست؟

(گفتند خیر)

رئیس - صورت مجلس تصویب شد. آقای احتشامزاده. (اجازه)

احتشامزاده - بنده تصمیم داشتم. عتی المقدور سعی کنم از نطق قبل از دستور استناده نکنم. برای اینکه توضیح اوقات نمایندگان محترم نشده باشد. ولی چون یک مسأله این روزها در جریان است و نظر به اطلاعاتی که از حیث وضعیت فقرا در شهر طهران در این موقع زمستان دارم بنده را وادار کرد که خاطر نمایندگان محترم را به اوضاع رقت آور فقرا مخصوصاً عده که از دهات در این موقع زمستان بواسطه عدم وسائل زندگانی مجبوراً به شهر حمله می کنند مستحضر کنم. وضعیت فقرا در زمستان فوق العاده بدست، همه ساله اولیای امور بلدیة و حکومت اقداماتی می کردند و به یک وسایلی که شاید خوب هم نبود آنها را نگاهداری میکردند. به این معنی که یک اعانه هائی که در نتیجه اجبار بود وصول و جمع آوری میشد و بالاخره باز بخرج بلدیة و بخرج دولت فقراء را جمع آوری میکردند. امسال هم بیچارهها با کمال سختی و بیچارگی در شهر پراکنده هستند. بنده چند روز قبل یک عده فقرای بیچاره را دیدم که پریشان حال و بایک وضعیت رقت آوری

در خیابانها و کوچهها و کاروانسراها افتاده اند که حقیقتاً هر ناظری را برقت می آورد. و خیلی هم تشکر می کنم با اینکه بلدیة بودجه اش کفایت نمی کرد ولی برای اینکه تذکری داده شده بود به نسیه نان برای آنها تهیه نموده و آنها را یک قدری جمع آوری کرده. ولی البته این عده، عده خیلی کمی است که بیشترشان هم فعلاً در شهر با حال پریشانی بسر میبرند و شاید در آتیة یک عده زیادی هزار نفر - هزار و پانصد نفر - دو هزار نفر از اطراف از فرط بیچارگی و فقدان وسایل زندگانی بیایند به شهر و باید ما برای آنها فکر بکنیم و راهی که به نظر ما رسید این بود که تاختانمائیم از هیئت دولت که یک مساعدتی با بلدیة بکنند و از محل اضافه عایدات راه بابت سنه هزار و سیصد و شش یک قرضی وزارت مالیه به بلدیة بدهد بطوریکه بلدیة قادر باشد فقرا را جمع آوری کند. بنده نه از نقطه نظر اینکه نماینده هستم و وظیفه نمایندگی مرا وادار کرد که یک عرضی بکنم. خیر، بلکه حسن انسانیت و اسلامیت مرا ناگزیر کرد که این عرایض را اینجا عرض کنم و امیدوارم از طرف آقایان نمایندگان یک توجهی در این موضوع بشود تا یک درجه وسایل آسایش فقراء فراهم شود.

رئیس - آقای رفیع. (اجازه)

حاج آقا رضای رفیع - اخیراً تلگرافاتی از تجار گیلان برای اغلب آقایان رسیده است راجع به موضوع محبس چند نفر از تجار ایرانی در بادکوبه (بعضی از نمایندگان - صحیح است) با آن موافقت نظری که مابین دولت ایران و روسیه حاصل است و با نظر اصلاحی که بین ملت ایران و ملت روسیه است گمان میکنم این مسائل خیلی مسائل غیرمنتظره باشد (صحیح است) و من خیلی خوشوقت هستم که از طرف مقام ریاست اقداماتی شد ولی استدعا میکنم در تعقیب اقدامات به هیئت دولت تذکر بدهند و از راههایی که خودشان بهتر میدانند داخل در یک مذاکراتی بشوند که برای استخلاص آنها یک اقدامات عاجل سریعی بشود و البته این آقایان هم باید بدانند در این موقع که ملت ایران مخصوصاً آذربایجان و گیلان حاضرند که با یک آغوش بازی اتحاد تجارتنی خودشان را مستحکم نمایند (آقاسید یعقوب - همیشه باز بوده

است) البته آنها هم خیلی باید با تاجار مساعدت نمایند (صحیح است) عرض دیگر بنده راجع به انتخابات گیلان است که اغلب از آقایان نمایندگان محترم اطلاع حاصل کرده‌اند که اوضاع آنجا چیست. برای اینکه یک جمعیت ده بیست هزار نفری (تقریباً تمام اهالی رشت) حاضر شده‌اند در تلگرافخانه و تمام با فریادهای زنده‌باد اعلیحضرت شاهنشاهی - زنده باد مجلس شورای ملی با یک متانتی عریض خود را به مجلس شورای ملی رسانیده‌اند. استدعا می‌کنم به هیئت دولت تذکر داده شود یک ترتیبی بدهند که موافق قانون انتخابات آنجا جریان پیدا کند گرچه اعزام مفتش گمان نمی‌کنم قانونی باشد و در قانون سابقه ندارد...

آقای سید یعقوب - غلط است آقا فقط میخواهند یک پولی بدهند. حاج آقا رضای رفیع - حالا به آن کار ندارم فقط استدعا می‌کنم به هیئت دولت تذکر داده شود که مطابق درخواست آنها دستور داده شود انتخابات را از روی قانون و با کمال بی‌طرفی انجام بدهند. حتی در یکی از روزنامه‌هایشان نوشته بودند که ما حاضریم آقای مرتب فضل‌الله‌خان (چون در آنجا خوب رفتار کرده است) در انتخابات نظر کند. حتی نوشته‌اند آن پیشکار مالییه امریکائی که در آنجا هست و نوکر دولت است و با کمال بی‌طرفی رفتار میکنند به او بگویند نظارت کند. خلاصه غرضشان این است که انتخابات از روی بی‌طرفی خاتمه یافته، و فقط یک آدم بی‌غرضی ناظر در اسر انتخابات باشد، در صورت خواهش می‌کنم دولت در این باب هم اقدام سریعی بکند.

جمعی از نمایندگان - دستور.

رئیس - خبر کمیسیون عریض و سرخصی راجع به سرخصی بیست و پنج روزه آقای عدل، کمیسیون هم تصویب کرده است، قرائت میشود.

(به شرح ذیل قرائت شد)

آقای عدل نماینده محترم آذربایجان از مقام منبع ریاست مجلس مقدس برای زیارت استان مقدس حضرت ثامن الائمه علیه السلام بیست و پنج روزه سرخصی درخواست نمودند. کمیسیون عریض و سرخصی تصویب مینماید.

رئیس - رأی گرفته میشود به مفاد این خبر آقایانیکه تصویب می‌کنند قیام فرمایند. (اغلب برخاستند)

رئیس - تصویب شد. خبر شعبه اول سابق راجع بنسبندگی آقای میرزا حسنخان وثوق مطرح است.

آقای دشتی - مخالف بودند.

دشتی - امروز صبح قبل از اینکه به مجلس بیایم یکی از رفقا به بنده رسید و گفت اگر هفت سال قبل آقای وثوق الدوله شمارا تبعید کردند لازم نیست امروز مخالفت نمائید. احتمال کلی هم میدهم که این سوعظن در خیلی‌ها باشد که تصور کنند چون ایشان بر حسب یک نظریاتی بنده را تبعید کرده‌اند بنده هم از این لحاظ با ایشان مخالفم و حالا موقع را مغتنم میشمارم و در حضور تمام آقایان نمایندگان محترم خداوند را به شهادت میطلبم که نسبت به آقای میرزا حسنخان وثوق ابدأ غرض شخصی ندارم و به هیچ وجه

کینه از ایشان در دل ندارم و اغراض شخصی راهم کوچک‌تر از آن میدانم که در مسائل سیاسی دخیل بشود. همه میدانند که در کابینه آقای سیدضیاءالدین از اول تا آخر بنده در حبس بودم. معذرت با ایشان چندان مخالفتی ندارم. بنده بدلیل زیادی با اعتبارنامه آقای میرزا حسنخان وثوق مخالفم، یادداشت‌های زیادی هم در این باب تهیه کرده بودم ولی در این سه چهار روزه خیلی به بنده مراجعه شد و گفتند هیچ ضرورت ندارد لازم نیست تمام چیزهاییکه از هفت سال قبل باین طرف نوشته شده و گفته شده است تکرار بشود از این جهت بنده هم از یک قسمت از آنها صرف نظر میکنم فقط در صلاحیت آقای وثوق الدوله که مشکوک هستم چهار تذکر میدهم، یعنی چهار نقطه نظر دارم که از این چهار نقطه نظر با صلاحیت ایشان مخالفم. نقطه نظر اول بنده این است که در قانون انتخابات مینویسد که شخص باید مرتکب جناحه و جنایت نشده باشد تا صلاحیت انتخاب شدن را داشته باشد آقای وثوق الدوله در کابینه خودشان عده زیادی را اعدام کردند، بنده حالا کار ندارم به اینکه یک اشخاص بودند که جانی بودند یا نبودند، حتی بعضی از آنها هم همین امروزه در نظر عده ازشلحا مورد تقدیس و احترام هستند. بنده وارد در این مسئله نمیشوم ولی عرض میکنم که در یک مملکت مشروطه رئیس الوزراء حق ندارد حکم اعدام یک کسی را بدهد، بقول یکی از کترهای حقوق میگفت که اگر یک شخص محکومی را وقتی میرند بطرف سیاست‌گاه که اعدام نمایند و تا نیم ساعت دیگر هم کشته میشود اگر یک شخصی او را در راه بکشد آن شخص قاتل حساب میشود با اینکه محکوم با اعدام است و محکمه هم حکم اعدام او را صادر کرده است در این صورت این اشخاص را که هیچ محکمه هم حکم اعدام آنها را امضا نکرده، به چه مناسبت در یک مملکت مشروطه آقای رئیس الوزراء حکم اعدام آنها را میدهد؟! برای اینکه آقایان نمایندگان خیال نکنند که بنده میخواهم هو بکنم یا خلاف واقع چیزی بگویم دونفرشان را میگویم. (که بر حسب اطلاعات شخصی بنده است) یکی از آنها حسین خان الله است که بنده شنیدم عدلیه او را تبرئه کرده بوده است، معذرت آقای وثوق الدوله او را بچوبه دار تسلیم کردند. یکی دیگر منشی زاده است، منشی زاده را هم حکم تبعیدش را صادر کردند، یعنی نمیتوانستند او را بکشند آنوقت در راه به بهانه اینکه میخواسته است فرار کند او را هم کشتند!! علی‌ای حال این یک مسئله است که مجلس میتواند تحقیق بکند و حقیقتاً بوسیله دو سیه و سوابقی که در این باب در نظمی و عدلیه هست این مسئله را کشف کنند که اگر واقعاً این قضایا دروغ است اقلاً لکه خیانت از دامن یکی از رجال مهم سیاسی مملکت پاک شده باشد. نقطه نظر دوم بنده این است که باز در قانون انتخابات می‌نویسد که یکی از شرایط صلاحیت انتخاب عدم قیام و اقدام بر علیه حکومت ملی است. بنده حالا نمیدانم آقایان قیام و اقدام بر علیه حکومت ملی را چه تصور میکنند؟ ولی بنده تصور می‌کنم که تنها مثل سالارالدوله عده‌ای را دور خود جمع کردن و تفنگ بدستان دادن و بطرف

حکومت مرکزی حمله کردن قیام و اقدام بر علیه حکومت ملی نیست. عدم اعتناء به سبادی مشروطیت، با مال کردن حقوق اساسی، اینها اگر قیام برضد حکومت ملی نباشد اقلاً اقدام بر علیه حکومت ملی هست و آقای وثوق الدوله در زمان تصدی خودشان از این قبیل اقدامات خیلی مرتکب شدند. در زمان تصدی آقای وثوق الدوله هر کسی که سلیقه سیاسی ایشان را نمی‌پسندید و یا سیاست ایشان مخالف بود یا باید بکشان و قزوی و سایر نقاط دور دست تبعید شود یا اینکه درب سیاه‌چالهای نظمی بروی آنها گشوده شود!! آزادی مسکن که یکی از مصدحات قانون اساسی است و در زمان زمام‌داری آقای وثوق الدوله بکلی چیز لغوی شده بود و هر کس را مخالف مسیر خودشان میدیدند، تبعید و حبس میکردند. بنده تصور نمی‌کنم در هیچ مملکت وحشی و هیچ قانون ظالمانه‌ای به یک نفر زمامدار اجازه بدهد که فقط مملکت تبعید و حبس اشخاص مخالفت با سلیقه و سیاست او باشد نقطه نظر سوم بنده این است که باز در قانون صریح است که اشخاصی نمیتوانند وکیل شوند که به فساد اخلاق معروف نباشند. البته فساد اخلاق مفاهیم زیادی دارد یعنی مفهوم خیلی وسیعی است که مصادیق بیشتر دارد ولی بنده تصور می‌کنم نقطه نظر شارع قانون اخلاقی است که مستقیماً با مصالح اجتماعی مملکت تماس کند والا اخلاق خصوصاً شخصی اشخاص اهمیت ندارد و بیشتر اخلاقی که با انتظامات عمومی و اجتماعی تماس می‌کند آن اخلاق منظور نظر شارع قانون بوده است. راجع با آقای وثوق الدوله در این باب خیلی حرف زده شده و متأسفانه یادداشت‌هایی هم که بنده در این باب داشتم همه را ول کرده‌ام و فقط یک مورد را اعتراض می‌کنم و آن مسئله ارباب جمشید است، ارباب جمشید مدعی مالکیت یک سلکی بوده موسوم به سردآباد، آقای وثوق الدوله صد و پنجاه هزار تومان یا صد و پنجاه و دو هزار تومان از خزانه دولت برداشتند که این ملک را برای دولت بخرند طلب کارهای ارباب جمشید هم بعد از آنکه شنیدند ارباب جمشید صد و پنجاه و دو هزار تومان پول گیرش آمده آمدند سر وقتش ولی چیزی عایدشان نشد و معلوم شد از این صد و پنجاه و دو هزار تومان پنجاه و دو هزار تومان بدست ارباب جمشید رسیده و سی و هفت هزار و پانصد تومان خود آقای وثوق الدوله برداشت کرده و مابقی هم بین عده دیگر غرما شده است. در زمانیکه آقای وثوق الدوله در فرنگ بودند دو مرتبه هم حضاریه برای ایشان رفته و این هم یک قضیه نیست که هو و جنجال درش باشد یک مسئله است که در عدلیه سابقه دارد و ممکن است الان از عدلیه تحقیق بشود شاید در بانک ایران هم سابقه‌اش باشد. از این جاها مسکن است تحقیق نمائید. نقطه نظر چهارم بنده مسئله قرارداد است، بنده وارد نمیشوم که قرارداد بد بود، هیچ در این باب حرف نمیزنم چون ممکن است بگویند که صلاح مملکت در این بوده و مقتضی اینطور بوده است که این قرارداد بسته بشود. البته خود این مسئله هم محل بحث است یعنی میشود در آن حرف زد که مصالح مملکت مقتضی نبود و البته اگر بایستی یک قراردادی هم بسته شود بایستی طوری باشد

که بصالح و خیر مملکت و نسبتاً سلاطین با اوضاع اجتماعی ملت باشد معذرت بنده وارد در این قضیه نمیشوم و بقول آقای وثوق الدوله تسلیم میشوم و تنزل میکنم و میگویم خیلی خوب اوضاع سیاسی و موجبات آن زمان این اقتضا را داشت که این قرارداد باین شکل حاضر و با این شرائط بسته بشود. فقط بنده در این جا دونقطه نظر دارم که عرض میکنم. یکی اینکه در این قرارداد و اجرای آن چرا تعجیل کردند؟ در صورتیکه هر معاهده و هر قراردادی بدون اینکه از تصویب مجلس شورای ملی بگذرد از درجه اعتبار ساقط است و دویول هم ارزش ندارد و خودشان هم در بیانیه‌های خودشان این نکته را تذکر شدند که ما این قرارداد را البته بنظر مجلس خواهیم رسانید. و اگر مجلس تصویب کرد رسمی است و الاریسمی نیست. ولی با وجود همه اینها اولاً در افتتاح مجلس شورای ملی تسریع و کوشش نکردند و ثانیاً در مقام اجرای آن قرارداد برآمدند مثلاً بیک کمپانی خارجی گفتند که نقشه برداری بکند برای راه آهن مسلکتی (چون یک قسمت از مواد قرارداد او راجع براه آهن بود). حتی آن کمپانی هم آمد و نقشه هم برداشت و الان هم صد و پنجاه هزار لیره دعوی واهی دارد. و حالا بآن قسمت کار ندارم، البته دعوی واهی است مستشار مالیه آوردند، سرپرست برای نظام آوردند و در واقع روی هم رفته اینطور بنظر میرسید که میخواسته‌اند مجلس چهارم را در مقابل یک کار تمام شده قرار بدهند. یعنی این کارها را تمام بکنند بعد که مجلس باز شد بگویند خوب کاری است تمام شده و یک ماست مالی بشود و ورود بی کارش. مقصود این است این مسئله از نقطه نظر یک دیپلمات نبود که به بیند اوضاع مملکت مقتضی است امروز قراردادی بسته شود و بعد از دو سال هم آن قرارداد از بین برود. خیر اینطور نمی‌خواستند بکنند، میخواستند این قرارداد با تمام موادش قبلاً در مملکت اجرا شده باشد!! نقطه نظر دوم بنده در مسئله قرارداد راجع بیک صد و پنجاه هزار لیره است که اگر چنانچه اوضاع دنیا ایجاب میکرد و اگر سیاست بین‌المللی مقتضی بود که دولت ایران با یک دولت خاصی توافق نظری حاصل نماید و قراردادی باین شکل و این ترتیب بدهند؟ خوب. آنوقت این صد و پنجاه لیره در این بین چه میگوید! چه عنوان از عناوین را دارد؟ اگر سال دولت ایران بوده چرا اصلاً جزو مواد قرارداد نیست؟ یعنی اگر جزو مواد قرارداد بود معلوم بود همچنانکه این طرف یک تعهداتی دارد و آن طرف هم یک تعهداتی دارد، یکی از تعهداتهم این است که آنطرف هم صد و سی هزار لیره پول بدهد پس اگر اینطور است چرا جزو قرارداد او نیست؟ مراسله ضمیمه هم که این قسمت صد و سی هزار لیره را تأیید نمی‌کند؟ و این مسئله هم ابدأ مکشوف نشد و کسی هم متعاقب آن حرف نزد هیچ کس هم در آن باب اطلاعی حاصل نکرد مگر بعد از آنکه کابینه آقای مشیرالدوله افتاد و کابینه سپهدار آمد روی کار و مستر نرمان سفیر انگلیس مراسله رسمی نوشت به سپهدار و در نتیجه نوشتن آن مراسله کابینه سپهدار وارد در یک سلسله اقداماتی شد و تلگرافی با آقای وثوق الدوله مخابره شد (آنوقت در فرنگ تشریف داشتند) بعد از آنکه این تلگراف سپهدار

بایشان رسید تلگرافی از ایشان بکابینه رسید و یک تلگراف هم از لرد کزن سفیر خودشان در ایران رسید که موادش را برای سپهدار فرستادند. سفا هردو تلگراف این بود که چون تجارتخانه طومانیانس در شرف ورشکست بود وحیف بود که این تجارتخانه از بین برود از این جهت من سهم خودم را که دو بیست هزار تومان بود بایشان دادم و در مقابل اسلک مازندران طومانیانس را برای دولت برداشتم و خریدم پس معلوم میشود که این پول بطور حتم گرفته شده است و معلوم هم شده است که این پول بعنوان وینام دولت ایران گرفته نشده است و وینام شخصی خودشان بوده است. و بنده متحیرم که حقیقتاً این پول و این مبلغ چه عنوانی را داشته است؟ چون که جزو قرارداد نبوده. جزو سراسله ضمیمه هم که نبوده است. قرارداد هم که مسئله تجارتنی و امتیاز نبوده است که بگوئیم این پول حق دلالتی بوده است. علاوه بر اینها چرا تقسیم کرده اند؟! اگر این پول مال دولت ایران بود چرا تقسیم کردند؟ از همه اینها گذشته دولت ملک میخواست چه بکند؟! دولت خالصجات خودش را نمی تواند اداره بکند ملک میخواهد چه کند؟ بعلاوه چرا این ملک را در دفتر خالصجات دولتی وارد نکردند؟! بعد از آن که تلگراف سپهدار در فرنگستان بایشان رسید آنوقت جواب دادند که ملک خریدم بالاخره آنهم سابقه اش در کابینه ریاست وزراء است ممکن است بخواهید و تحقیق نماید. اینها هرو جنجال و بپرت و پلا گفتن نیست مسائلی است که در کابینه ریاست وزراء سابقه دارد. بخواهید و رسیدگی نمائید روی هم رفته عرایضم را باینجا خاتمه میدهم و تصور هم میکنم بوظیفه وجدانی خودم همینقدر که تذکر داده ام عمل کرده باشم و استدعائی که از مجلس دارم این است که تحقیق کنند اگر حقیقتاً این قضایا دروغ است؟ چرا این همه حرفهای مفت و بی ربط در اطراف یکی از رجال سیاسی مملکت که صفات ممتازه هم دارد زده شود و اگر هم راست است آنوقت معلوم شود تاچه اندازه راست است و چقدر عمل شده و بالاخره باین صحبتها و کشمکشها خاتمه داده شود.

فاطمی سخیر شعبه - آقای دشتی نماینده محترم فرمودند که یک یادداشتهای مفصلی کرده بودم ولی نظر به یک ملاحظاتی تمام آنها را بیان نخواهم کرد بعد در ضمنی که صحبت میفرمودند بنده دیدم چیز دیگری باقی نماند و هر چیزی را که در این مدت دیگران گفته بودند ایشان بطور خلاصه در ضمن چهار فقره اظهار فرمودند. اول فرمایشی که کردند راجع به این بود که آقای وثوق الدوله در زمان زمام داری شان مرتکب جنحه و جنایت شده اند. بله ما هم تصدیق داریم که ایشان در زمان ریاست وزرائی شان نایب حمون کاشی ماشاء الله خسان دزد و پهلوان رضای کاشی و از این قبیل اشرار دزد چپوچی و غارتگر را که اسباب زحمت برای تمام این مملکت شده بودند بدار زدند و بنده شخصاً نسبت بشخص خودم عرض میکنم خوب کاری کردند بلکه یکی از خدمات برجسته ایشان در زمان ریاست وزرائی شان این بود که این قبیل اشخاص را معدوم کردند و مملکت را از چنگال آنها رها نمودند. (بعضی از نمایندگان - صحیح است) فرمودند که نمیشود بدون

قانون حتی به قتل این قبیل اشخاص مبادرت کرد و مجازاتشان نمود. بنده هم کاملاً موافقم ولی در آنموقع اگر ملاحظه میفرمودید میدیدید که ما یک قانون مجازات عمومی نداشتیم و چون در آن موقع مجلس شورای ملی هم نبوده باز ایشان برای اینکه کارشان را شبیه بصورت قانون کرده باشند یک نظامنامه مجازات عمومی در همان موقع در کابینه خودشان تنظیم کردند که باز هم از روی همان نظامنامه این قبیل مجازاتها را اعمال نمایند که بیشتر شبیه به قانون باشد و آنوقت هم هیچ قانون مجازات عمومی در مملکت نبود که ما بتوانیم اعتراض بکنیم که چرا برخلاف آن قانون عمل شده است. البته یک مدت خیلی قلیلی است یعنی از چندی پیش ما قانون مجازات عمومی داریم که هر کسی برخلاف آن عمل نماید مجازات میشود. فرمودند یکی از شرائط انتخاب شدن عدم قیام و اقدام بر علیه حکومت ملی است ولی در این قسمت دلائلی ذکر نفرمودند و دلائلشان فقط راجع به همین اشراری بود که بعضی از آنها را توقیف و حبس با اعدام کرده بودند. یکی دیگر راجع به افتتاح مجلس بود در صورتیکه ما میدانیم که در زمان ریاست وزرائی آقای وثوق الدوله مخصوصاً یکی از جدیتهائی که ایشان داشتند مخصوصاً افتتاح مجلس شورای ملی بود که در آن موقع با چه مشکلاتی تصادف میکردند معدنک کله در آن موقع با جدیت فوق العاده در انتخابات مملکت تسریع فرمودند و مشغول بودند و شاید تا موقعیکه ایشان رئیس الوزراء بودند نصف و کلاً انتخاب شده بودند دیگر چیزیکه فرمودند راجع به فساد اخلاق بود و اینجا فقط دلیلی که ذکر فرمودند این بود که گفتند در این موضوع حرف خیلی زیاد است البته حرف در مقابل اشخاص ممکن است خیلی زیاد باشد ولی دلیلی که بایستی آقا اقامه بفرمایند و خودشان هم آنرا قبول داشته باشند ذکر نفرمودند یعنی بنده که نفهمیدم.

دشتی - ارباب جمشید.
فاطمی - بلی راجع به سردآباد فرمودند که مردآباد ملکی بود مال ارباب جمشید که صد و پنجاه هزار تومان از دولت پول گرفته اند و بعد پنج هزار تومانش را به ارباب جمشید داده اند در صورتیکه بنده چیزی را که خود اطلاع دارم این است که سردآباد یک ملک است که قریب هزار خروار جنس آنجا بود بنده نمیدانم چطور ممکن میشود این ملک را به پنج هزار تومان از ارباب جمشید بخرند؟

دشتی - صد و پنجاه و دو هزار تومان.
فاطمی - بعلاوه این ملک هم جزو خالصجات دولتی است و فرضاً که ارباب جمشید هم دعاوی نسبت به آقای وثوق الدوله داشته باشد هیچ مربوط به صلاحیت ایشان در اینجا نیست. ارباب جمشید ممکن است برود به عدلیه عرض حال بدهد عارض هم بشود و احضاریه هم برای آقای وثوق الدوله بفرستند و بالاخره محکوم علیه بشوند یا محکوم له ولی هیچ مربوط به صلاحیت و عدم صلاحیت یک و کیلی نیست و ممکن است همه ماها یک محاسبات شخصی با اشخاصی داشته باشیم. قسمت آخر مسأله قرارداد بود که چون این مسأله دو سه مرتبه در مجلس شورای ملی مذاکره شده و مفصلاً

هم سؤال و جواب شده بنده داخل این قسمت نمیشوم و مجلس هم تضایع خودش را در همان موقع کرد. راجع به پول هم که فرمودید اگر خاطرتان باشد در همان روزیکه آقای وثوق الدوله اینجا تشریف آوردند جداً تکذیب فرمودند پس در اینصورت اگر یک همچو پولی کسی میگوید به ایشان داده اند باید اول یک دلائل مثبتی نشان بدهد تا تکلیفش معلوم شود.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.
رئیس - رأی گرفته میشود بنماینده آقای میرزا حسن خان وثوق از طهران آقایان موافقین قیام فرمایند.
(اکثر نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. خبر راجع به اتوبوس رانی جزو دستور بود ولی چون تقایمی دارد حاضر نیست اگر آقایان موافق باشند قانون بعدی جزو دستور شود؟

جمعی از نمایندگان - صحیح است.

دادگر - بنده عرض دارم.

رئیس - بفرمائید.

دادگر - خاطر محترم خود آقای رئیس مستحضراست که در کمیسیون داخله نظریاتی پیدا شد و این مسأله که به مجلس آمده مربوط به آن نظریاتست حالا اگر این لایحه را از دستور خارج بفرمایند شاید آن قضیه را ما حل کنیم والا موکول به رأی مجلس بشود و اگر هم از دستور خارج نمیشود بنده عرایضی دارم که باید عرض کنم.

رئیس - راپورت رسمی از طرف کمیسیون داده شده است.

دادگر - بنده دلائلی دارم که باید عرض شود اجازه میفرمائید عرض کنم؟

آقاسید یعقوب - بنده عرض دارم.

رئیس - آقای حائری زاده. (اجازه)

حائری زاده - بنده بعد از ایشان عرض میکنم.

رئیس - (خطاب به آقای آقاسید یعقوب) مقصود آقای دادگر این است که جزء دستور نشود. مخالفید که جزو دستور شود؟
آقاسید یعقوب - خیر.

رئیس - بفرمائید.

آقاسید یعقوب - بنده میخواهم به آقای دادگر عرض کنم شما میفرمائید جزو دستور نشود! حالا این راپورت به مجلس آمده است ما چکار کنیم؟! یک قانونی هم هست که الان هشت روز است طبع و توزیع شده است. حضرتعالی اگر مخالف هستید ممکن است تحت عنوان مخالفت فرمایشاتی که دارید بفرمائید موافقین هم جواب میدهند.

دادگر - اجازه میفرمائید؟ بنده عرایضی دارم.

رئیس - بفرمائید.

دادگر - عرض کنم حضور مبارک آقایان در این باب که بنده میخواهم بحث کنم فقط حمایت از قانون و منظورم اصلاح آنست و هیچ نظری هم ندارم و آن کس هم که در این موضوع با بنده طرف است پیش بنده محبوب و خیلی طرف احترام است.

قانون باید از طرف کسی تقدیم مجلس شود که صلاحیت تقدیم را داشته باشد. کمیسیون داخله وقتی که منعقد میشود برای انتخاب هیئت رئیسه و بالاخره اسور داخلی آنجا نه نفر حاضر بوده اند از نه نفر رأی میگیرند و برای آنجا اشخاصی انتخاب میشود پنج نفر از نه نفر که اکثریت قطعی کمیسیون است، رأی میدهد بیک اشخاص دیگری، و این مسئله را تردید میکنند که باید تمام اعضاء کمیسیون حاضر باشند تا اکثریت من حضر از تمام اعضاء کمیسیون در انتخابات حاصل شود و تعمقی درش نمیشود و عمل هم میشود بعداً متذکر شدیم که این برخلاف قوانین و سابقه هر دو است این بود که هفت نفر از ما با اینکه مقتضی هم نبوده این مسئله به مجلس کشیده شود، ولی چون حمایت از قانون ایجاب کرد بنده این عرایض را عرض کردم و هفت نفر از ما یعنی از دوازده نفر اعضاء کمیسیون که این ورقه را امضاء کرده اند عقیده مان این است آن انتخابات اولیه. معتبر است. پس وقتی که ما این عقیده را داشته باشیم مخبر و هیئت رئیسه این کار معلق میشود یعنی غیر معلوم میشود یا معلوم میشود دیگری است بنابراین کسیکه این سمت را حائز نباشد نمیتواند راپرت را امضاء کند و این راپرت را هم تقدیم آقای رئیس میکنم تا تکلیف معلوم شود و بنده نمیخواستم این عرایض را بکنم حالا دیگر عرض شد.

(ورقه بمقام ریاست تسلیم نمودند)

رئیس - آقای حائری زاده (اجازه)

حائری زاده - بند میل نداشتم بعضی چیزهایی که جنبه شخصی پیدا می کند در مجلس عنوان شود خصوص وقتی که طرفین قضیه بنده و آقای عدل الملک باشیم، خدا شاهد است بنده هیچ راضی نبودم ولی حالا ناچارم تاریخچه این قسمت را عرض کنم آنوقت استدعای خود را عرض کنم.

رئیس - اجازه میفرمائید؟ بند خیال میکنم مطرح شدن این موضوع در مجلس مقتضی نیست (نمایندگان - صحیح است) راجع باین قسمتها اگر اعتراضی هست بایستی به هیئت رئیسه مراجعه کرد اگر هیئت رئیسه قادر نشد صلاح دانست در مجلس مطرح شود آنوقت بیاید در مجلس. لیکن علی الاصول اعتراضی که آقای دادگر دارند باید رسیدگی شود. ولی وارد بر این راپرت است و این راپرت مقدم بوده است. بنابراین بعقیده بنده این راپرت باید مطرح شود آن قسمت هم رسیدگی شود (صحیح است) معدنک رأی میگیریم به اینکه جزو دستور شود آقایانیکه موافقت قیام فرمایند.

(عده از نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - اگر این لایحه هم مطرح نشود چیزی در دستور نداریم و باید جلسه ختم شود.

(عده دیگری نیز قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. شور در کلیات است. در کلیات کسی مخالف نیست؟ رأی میگیریم بورد در شور مواد.
فهیمی - بنده در کلیات مخالفم.
رئیس - بفرمائید.

فهیمی — در کلیات لایحه انجمن واداره بلدی بنده بعد از مطالعه راپورت کمیسیون نظر موافقی پیدا نکردم. و مخصوصاً توضیحات آقای دادگر هم بیشتر بنده را در عقیده خودم ثابت کرد. و میخواستم عرض کنم آنطوری که لازم بوده است در این لایحه دقت کامل بعمل نیامده یکی از مواردی را که همیشه در ضمن اظهار عقاید سیاسی تکرار کرده و اصرار میکنم استقلال بلدیها و تشکیل بلدیهای قانونی برای تنظیم امور محلی اشخاص است. و این مسئله درجه اول تنظیم تشکیلات مملکتی است و همان اندازه اهمیت دارد که تشکیلات مملکتی را باید اهمیت بدیم. زیرا تشکیلات مملکتی از درجه پائین اول حوزه بلدی است. بعد حوزههای ایالتی و ولایتی و سوم تشکیلات حوزه مملکتی، امور باید متدرجاً از درجه پائین تصفیه شود. اول حوزه بلدی که از مجموعه آنها حوزه ایالتی و از مجموعه آنها حوزه مملکتی تشکیل میشود و هر یک از این تشکیلات البته دارای یک هیئت مشاوره و یک هیئت اجرایی خواهد بود. چنانچه برای مملکت یک هیئت شوروی هست که مجلس شورای ملی است و یک هیئت اجرایی که هیئت دولت است. برای حوزه ایالتی هم هیئت شوروی انجمنهای ایالتی و ولایتی است و هیئت اجرایی حکام و ولات و مأمورین دولت و برای قسمت بلدی هیئت شوروی انجمن بلدی است و هیئت اجرایی اداره بلدی یا مأمورین نظمی و غیره. ولی در این قانون یک ترتیبی که تشکیلات و استقلال و اختیارات بلدی را در درجه خودش کاملاً معین کند ذکر نشده و لازم بود وقتی که قانون بلدی را می نویسند اول حوزه بلدی را معین کنند که از چه قرار خواهد بود؟ و تا چه حدی است. شهر است؟ بلوک است؟ قراء است؟ قصبات است؟ اول حد این قسمت را معین میکردند بعد هیئت بلدی را تعیین میکردند. زیرا هیئت بلدی فقط انجمن بلدی و اداره بلدی نیست. هیئت بلدی آن هیئتی است که مأمور انتظارات و حفظ یک حوزه شهری یا قصبه است. این هیئت مأمورین نظمی هستند. مأمورین امنیه هستند. حکام هستند. کدخداهای هستند و همچنین مأمورین دیگر اول این حوزه باید تعیین شود و معلوم شود که مسئول امور این حوزه چه اشخاصی هستند ولی این مسئله معین نشده در این قانون و بطور کلی یک وظائفی را ذکر کرده اند که شاید الان در مملکت ما اصلاً موضوع ندارد. مثلاً اسوال منقول و غیر منقول و بناهای متعلق به بلدی یک چیزهایی است که هنوز در مملکت ما ساخته نشده. اصلاً یک همچو چیزهایی وجود ندارد. همچنین در این جابجک وظائف دیگری که باید انجمنهای بلدی راجع با امور حوزه بلدی داشته باشند آنها را ذکر نکرده اند و بنده بطور کلی که نگاه میکنم این قانونی که فعلاً برای بلدیها نوشته اند تقریباً یک قانونی خواهد شد شبیه بهمان قانون بلدی که در ابتداء نوشته اند و یک مدتی در موقع اجرا با اشکالات و اختلافاتی دچار میشوند که بالاخره غیر مجزا میماند. هر قانونی را باید بر روی اصل مقتضیات محل نوشت. قانون را وقتی روی مسائل و احتیاجات احساس شده که حتماً محتاج الیه است تدوین کردند و بتصویب مقامات عالیله

قانونی رسانند قانون میشود. و هر کس هم مجبور باطاعت آن خواهد بود. در این قانون اشکالات و ابهامات بدرجه زیاد است که اشخاص نمیتوانند تشخیص بدهند حتی مأمورین دولت و حکام و سایرین که مأمور اجرای این قانون هستند. هیچکدام از روی این قانون تکلیف خودشان را نمیدانند حتی در یکی از مواد بنده دیدم طوری نوشته اند که انجمن بلدی و مؤسسه بلدی یک مؤسسه مستقلی خواهد شد که شاید تصور خواهند کرد در مقابل حکام ایالات و ولایات باید یک دکان مستقلی باز کنند.

شیروانی — باید همین طور هم باشد.

فهیمی — و باید بالاخره در ادارات بلدی مأمورین عالی آنها حکام و ولایات باشند. همانطور که ادارات مملکتی یک رئیس مستقل مافوق دارند و حکام و ولایات همیشه نماینده شخص پادشاه هستند در امورات محلی و سایر مؤسسات هم مأمورین باید در رعایت قوانین و اجرای وظایف قانونی خودشان تابع نظریات حکام و رئیس مافوق باشند. ولی اگر آقایان مطالعه و دقت بفرمایند تصدیق خواهند فرمود این تسمیاتی که باید در این قانون تنظیم شود پیش بینی نشده. و بنده این تشکیلات و وظائفی را که در این قانون فعلی معین شده کافی نمیدانم. چون مدتها است ماسعی می کنیم که یک انجمنها و ادارات بلدی منظم مستقلی که کاملاً رفع حوائج محلی افراد را نماید از این قانون بدست بیاوریم و این قانون آنطوری که باید تنظیم نشده و بالاخره بلااجراء خواهد ماند.

رئیس — آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب — بنده خیلی متأسفم که یک چیزهایی را تصور میکنم و حقیقتاً جرات نمی کنم حرف بزنم، در دوره چهارم و پنجم ورد زبان تمام آقایان نمایندگان این بود که باید قانون بلدی بیاید بمجلس و بلکه شهر طهران بصدای بلند این جمله را می گفتند که قانون بلدی باید بمجلس بیاید و تجدید نظر شود و مجلس هم رأی داد که تجدید نظر بشود و قانونی بنویسند و بیاورند بمجلس و اگر نقائصی هم دارد در مجلس رفع شود حالا از آقای فهیمی سؤال میکنم آقا: این بلدی قانونی است؟ خواهید گفت خیر نیست!! پس بنده عرض میکنم قانون بلدی چطور باید مرتب بشود؟! میفرمایند باید قانونش بیاید بمجلس و اگر نقائصی دارد در مجلس رفع شود، آقا: این همان است این همان بلدی است که مجلس گفته است در قانونش تجدید نظر شود این قانون رفته است در کمیسیون، تجدید نظر هم شده است و آمده است در مجلس، الان در مجلس است. میگوئید موادش محل ایراد است؟ آمده است بمجلس برای اینکه شما ایرادات را وارد کنید!! کمیسیون داخله اقداماتش را کرده است. اگر بنا بود که هر قانونی فقط بر راپورت کمیسیون تمام بشود که دیگر در مجلس نمی آمد و همانوقت که راپورت کمیسیون نوشته میشد می گفتند راپورت کمیسیون تمام است و باید اجرا شود. پس راپورت کمیسیون باید بیاید بمجلس برای اینکه مجلس در آن وارد شود و در موادش نظر کند و هر ماده که دید مخالف با منافع

همین که اصلاح شود و باصلاح بعضیها می گویند: حقایق جستن میکنند از تصادم کلمات متضاد. شما یک نظریاتی دارید دیگری هم یک نظریاتی دارد، البته در تحت نظریات نقایص رفع میشود. و اگر ما بخواهیم باین جور چیزها یک قوانینی که اینقدر بحال ملت و مملکت نافع است از بین ببریم بالاخره چه میشود؟! اول قدسی که برای ملت زنده برداشته شود همان تأسیس اساس بلدیهاش است که کم کم روح حیات و زنده شدن در ملت دمیده شود بعد از بلدیها بنده انجمنهای ایالتی و ولایتی و بعد از آن مجلس شورای ملی است ما همیشه از عقب میآیم جلو! از بالا یکدفعه میآیم پائین. سوسیالیست هستیم ولی میگوئیم بلدیها و انجمن بلدی نمی خواهیم!! آقا: چنین چیزی نمی شود!! شما منکر انجمن بلدی میشوید!! منکر تأسیسات بلدی میشوید!! آنوقت میگوئید من در مسلک دارای فلان مقام هستم چه طور همچو چیزی میشود؟! ما باید اول بلدیها را درست کنیم این اطفال لختمان را جمع آوری کنیم. این شهر کثیف و خرابمان را درست کنیم آنوقت بیاییم در مجلس شورای ملی بنشینیم. شما از اول میگوئید ما قانون بلدیها را نمی خواهیم چون بعضی موادش درست نیست! موادش درست نیست؟ اصلاح کنید!! من خیلی تأسف میخورم که یک نماینده نسبت بتأسیس اساس بلدیها و نسبت بقانون بلدیها مخالفت کند. اگر مخالفت از جهت نقصان در مواد است؟ البته نقصان در مواد باید در مجلس پیشنهاد شود تا رفع شود. چیز غریبی است! میگویند بلدیها نمی خواهیم!!

جمعی از نمایندگان — مذاکرات کافی است.

رئیس — رأی گرفته میشود بورد در شور مواد آقایان موافقین قیام فرمایند.

(اغلب قیام نمودند)

رئیس — تصویب شد. ماده اول قرائت میشود.

ماده اول — بلدیها مؤسسه ایست که موضوع آن: حفظ منافع شهرها و ایفاء حوائج عمومی و تأسیس آسایش اهالی شهرنشین است.

رئیس — آقای شیروانی.

شیروانی — موافقم.

رئیس — مخالفی ندارد؟ آقای شریعت زاده (اجازه).

شریعت زاده — البته در بادی نظر در این ماده چیزهایی نوشته شده است که نمیتوان گفت با آن نباید موافقت کرد. ولی در اینجا این چیزهایی را که نوشته است «موضوع بلدیها است» این طور نیست «اینها» موضوع بلدیها نیست بلکه نتایج آن است و بالاخره در تنظیم مواد همانطور که آقای دادگر فرمودند شور کانی بعمل نیامده است و همین مسئله ممکن است موجب اختلافات شود و بنده معتقدم که این ماده برگردد بکمیسیون، نه فقط این ماده بلکه تمام مواد را بنده تحت نظر آورده ام و همین طور است از این جهت و در هر صورت بنده مخالفم.

رئیس — آقای شیروانی (اجازه)

عمومی است و صحیح نیست رد کند و نظریات خودش را بگوید. آقا: در قانون دستور قرار داده اند!! میگویند شوراول، شور دوم، این ترتیبات برای چیست؟ من نمی فهمم!! تازه مثل اینکه دوره بیست و چهار سال پیش از این است و تازه میخواهد مجلس شورای ملی تشکیل شود و یک کلیاتی از کره سربخ و زبرد صحبت کنیم!! خیر آقا این دوره آن دوره نیست. در دوره اول یک بلدیهایائی تشکیل شد و آن بلدیها بهم خورد. بعد مؤسساتی تشکیل شد که گفتند این مؤسسات مؤسسات ملی نیست و باید ملت در حقوق خودش اختیار داشته باشد. بلدیها و انجمنهای ایالتی و ولایتی و انتخابات آنها از حقوق ملت است. چطور برای انتخابات ویرای وکیل شدن این همه سرو دست میشکیم؟! اما برای حقوق شهر که میخواهیم بلدیهاش را درست کنیم هی اشکال تراشی می کنیم که اینجاش درست نیست!! آنجایش درست نیست!! موادش درست نیست آقا: اینجا آورده ایم که درستش کنید!! و اما مطلب دیگر (جسارت نمی کنم) ولی گویا آقایان درست مطالعه نکرده اند چون دیروز تعطیل بود. این قانون روز پنجشنبه بین تمام آقایان منتشر شد و مطابق نظامنامه راپورتی که از کمیسیون داده میشود باید بیست و چهار ساعت قبل از اینکه در مجلس مطرح شود طبع و توزیع شده و آقایان برسند. این قانون هم در موقع خودش رسیده است. حالا اگر آقایان مطالعه نکرده اند نباید در مجلس مطرح شود؟! در صورتیکه الان هفتاد و دو ساعت است طبع و توزیع شده!! حالا اگر کسی بتکلیف خودش عمل نکرده است یا درست مطالعه نکرده است ایرادی بر بنده و آقای حائری زاده و بر عده که طقدار مطرح شدن این قانون هستند وارد است؟! اما راجع بتقسیمات بلدیها: بحسب قاعده آمده اند بلدیها را بدو قسمت تقسیم کرده اند. یک هیئت اداری و یک هیئت شوروی و هر یک از اینها موادش علیحده است و فعلاً مواد اداریش را معین میکند و ضمناً در بیان مواد اداریش فوائد و منافع بلدیها را هم معین میکند و میگوید: بلدیها آن است که اسوال شهر را حفظ کند و این لفظ برسبیل کلی است میگویند اسوال منقول و غیر منقول را چرا حفظ کند؟! و در اینجا تعیین تکلیف نکرده است. خیر آقا در ماده اولش که نوشته است موضوع آن حفظ منافع شهرها و ایفاء حوائج عمومی و تأسیس آسایش اهالی شهرنشین است. این تکلیف است. دیگر کجا معین نکرده است موضوع بلدیها را معین کرده است و باصلاح ماکه در مدرسه بودیم موضوع وفائده و نتیجه اش را معین کرده است. پس خوب است وقتی که در مقام مخالفت بر میآیند یک سیر اجمالی در مواد بفرمایند ولو اینکه سیر حکومتانه هم باشد و به بینند در این مواد محل و موضوعش را معین کرده است تمام این قانون بلدیها در تعقیب رأی دوره پنجم است که معتقد شدند باید در قانون بلدیها تجدید نظر شود. حالا این امر واقع شده است و این قانون آمده است در مجلس برای اینکه درش نظر بشود چنانچه خود بنده هم ایراداتی در آن دارم. در ماده پنج ایراد دارم در ماده ده و هفت ایراد دارم. اینها چیزهایی است که میباید در مجلس مطرح شود و موافق میشود برای

شیروانی - چون معمولاً در ماده اول میشود در کلیات مذاکره کرد. این است که بطور اختصار میخواهم بگفتم فرمایشات آقای فهیمی را جواب عرض کنم و ضمناً البته آقای نماینده محترم هم اگر نظری در مواد دارند چون شور اول است میروند بکمسیون و پیشنهادی هم میشود و البته در کمیسیون بانها مراجعه میشود و مواد را اصلاح میکنند ولی بنده این نکته را میخواستم عرض کنم و ممکن است اشتباه هم کرده باشم. بعقیده بنده فلسفه تشکیل دولت در یک مملکتی اساساً برای تأمین آسایش آن جامعه است و معتقدم که برای تأمین آسایش اکثریت یک جامعه صدها هفتاد و پنج عملیات هر دولتی در بلدیۀ تمرکز پیدا میکنند و صدی بیست و پنج در سایر مؤسسات. بنابراین بلدیۀ یک مؤسسه است که بنده خیال میکنم هر کسی دعوی نمایندگی ملت را میکند باید با تمام قوا خودش در حفظ و نگاهداری آن بکوشد. در ابتدای مشروطیت رجال آنوقت یک اصولی از حکومت ملی را در نظر گرفتند و آنها را دادند بدست مجلسها و افراد مشروطه طلب این مسکت و از جمله آن اصول کلی یکی همین تشکیل بلدیۀ بود که از آن روز اول بلدیۀ را جزو اصول و اساس میدانستند و عقیده هم یکی از رشته های اصولی مشروطیت بلدیۀ بود که قانونش را نوشتند یا ترجمه کردند و دادند بدست مردم و گفتند شما باید از این مؤسسه استفاده کنید. ولی همینطور که خیلی از آثار حکومت ملی و مشروطیت ما در نتیجه بعضی پیش آمدها و فترتها وزیر و زبدها تحصیل شد و متروک ماند کم کم موضوع بلدیۀ هم اصلاً از بین رفت و شما دیگر آثار بلدیۀ ملی را در هیچ نقطه از این مملکت نمی بینید. بلدیۀ شده یک اداره دولتی! بلدیۀ که بعقیده ما یک مؤسسه است که در درجه دوم یا سوم مجلس شورای ملی است شده یک اداره دولتی در دست و وسیله تأمین معیشت یکجده میزنشین. نتیجه این شده!! و در عوض اینکه ما تأمین آسایش عمومی را بکنیم تأمین آسایش یک عده میزنشینهای طهرانی را چه در مرکز و چه در ولایات کرده ایم! و هر روز هم یک مالیاتهای جدید محلی وضع کردند و یک تحمیلات بزرگی بدوش مردم گذاشتند و پولهایش را گرفتند و بین یکسسته مفتخور تقسیم کردند و خوردند. در دوره پنجم آمدند «بعقیده بنده» یک کار درخشان اساسی کردند و این مالیاتهای خانه برانداز رعیت کش و بالاخره رنجبر کش را برداشتند و یک مالیات سرحدی بجای آن گذاشتند که خیلی عایداتش زیادتر و بهتر است و هیچکس هم احساس سنگینی آن را نمیکند. برای خرج کردن آن مالیات البته تا یکدرجه نظارت مالی را دخالت دادیم ولی در همان قانون هم پیش بینی کردیم که این پول باید بانجمنهای بلدی و ولدیۀ های قانونی برسد. بلدیۀ قانونی کدام است؟ آن بلدیۀ است که انجمن داشته باشد و ملت آنها را انتخاب کرده باشد. و در تمام ممالک متدبنة دنیا آقایان غالباً تشریف داشته اند و اطلاع دارند که موضوع بلدیۀ یک موضوع عادی مثل مالیه یا عدلیه نیست. البته عدلیه یکی از قوای اصولی است ولی مثل مالیه یا فلان وزارتخانه نیست و بلدیۀ

خودش یک اداره مستقلی است که در دست مردم اداره میشود. منتها ما عوائدش را از نقطه نظر اینکه فعلاً در این مملکت فقر عمومی در کار است و نمی شود عوارض باشخاص تحمیل کرد گفتیم مالیات سرحدی گرفته شود والا باید این پول در تحت نظر اهالی هر شهری بصرف احتیاجات همان شهر برسد. یک موضوعی را که میخواستم بنمایندۀ محترم تذکر بدهم این است که یکی از کارهای مرتب شبهای بنده یکساعت مخصوصی است برای مطالعه قوانین که در حاشیۀ قانون ایرادات و پیشنهاداتی را که میخواهم بکنم یادداشت میکنم که اگر بر حسب اتفاق جزو دستور شد بنده مطالعه ام را کرده باشم و البته خیلی از آقایان نمایندگان هم این کار را می کنند و لابد نماینده محترم هم یک نظر اجمالی کرده اند که اینجا ایراد گرفتند. بالاخره هر قانونی هم اول که نوشته میشود بی عیب و بی نقص نوشته نمی شود. فلسفه مجلس شورای ملی و کارهای شوری هم این است که قوانین یا اسرار نتیجۀ دماغ شخص واحدی نباشد و در تحت شور بیاید و نظریات اشخاص گفته شود و چیز خوبی بیرون بیاید. البته ممکن است این قانون خیلی نواقص داشته باشد ولی جلوی پیشنهادات بنده و جنابعالی را نبسته اند نظامنامه حق داده است که بنده و جنابعالی در پیشنهادی داریم بکنیم که رفع معایب قانون را بکنند و یک نکته که مخصوصاً بنده را اینجا کشید موضوعی بود که فرمودند ما یک دکاتی در مقابل حاکم میخواهم تأسیس کنیم. بله بنده مخصوصاً جزو آن پیشنهاداتی که در نظر گرفته ام بکنم و امیدوارم که آقایان هم موافقت بفرمایند این است که «چون فعلاً زبده تأسیس انجمنهای ولایتی در ولایات حاضر نیست و قانون آنها قابل تجدید نظر است و شاید حالا تا درجه عملی نیست» در جزو مواد این قانون یک عتی بانجمنهای بلدی داده شود که در تمام ادارات دولتی نظارت کنند که این دکان یک دهنة توی دهن این مأمورین خود را بی لگام بزند بله آقا باید تو دهنی زد بمأموری که میخواهد برود آنجا مردم را بچابد میخواهیم یک افشاری باشد که از تجاوزات مأمورین جلوگیری نماید و من از آقایان خواهش میکنم که فعلاً چون انجمنهای ایالتی و ولایتی نداریم بانجمنهای بلدی حق بدهیم که در تمام ادارات نظارت کنند.

رئیس - آقای فهیمی. (اجازه)

فهیمی - بنده اولاً میخواستم عرض کنم که اگر آقای آقا سید یعقوب میل دارند که اظهار حرارتی بفرمایند و صحبتهایی بکنند لازم نبود که از قول بنده حرف درست کنند....

آقا سید یعقوب - فرمودید همه اش در صورت مجلس است. فهیمی - بنده مخالف قانون بلدی نیستم. ده مرتبه دیگر هم جنابعالی تکرار فرمائید بنده مخالف قانون بلدی نیستم شاید عرض کنم مخالف قانون بلدی هستم که شما میخواهید تأسیس ننمائید. بنده مخالف آن نظر هستم. بنده عرض میکنم قانون بلدی ترتیبی نوشته شود که بلدیۀ هائیکه تشکیل میشود مستقل باشند. آقای شیروانی میفرمایند که باید دکان باشد بنده عرض

میکم که حکام محلی درجات پائین باید به انتخاب بلدیۀ باشد. باید حکام را مردم معین کنند بایستی استقلال بلدیۀها معین باشد و مداخلاتشان معلوم باشد آن تسمتی را که فرمودید بلدیۀ باید ناظر عملیات ادارات دولتی باشد بنده با این قسمت مخالفم. انجمن محلی و هیئت محلی هیچوقت ناظر عملیات مملکتی نمی شود، نظارت عملیات مملکتی با مجلس شورای ملی است که نماینده قاطبه اهالی مملکت است انجمنهای محلی فقط برای امور محلی است یک قسمتهائی هست از امور مملکتی که در مجلس باید اداره بشود زیرا بالاخره هر حوزه ایالتی یا بلدی دورشته امور دارد یک رشته اموری است که متوجه تمام مملکت میشود و یک رشته اموری است که مخصوص آن نقطه بخصوص است معاملات دولتی از قبیل اجاره و استجاره و ملک خریدن و فروختن باید با نظر بلدی بشود. در موقع سر بارگیری باید صورت از بلدیۀ بخوانند. اما مسأله سیاست خارجی یا مسأله وضع مالیات مربوط به بلدیۀ نیست فقط در موقع تقسیم مالیات نظر بلدیۀ باید خواسته شود. این قسمت هائیکه هر روز آقایان از مالیه شکایت میکنند و همیشه فریاد زده میشود و همیشه هم مبتلا به است آن قسمت هائی که باید بلدیۀ در موقع بداد مردم برسد این قسمت های مفید و مهم در این قانون ذکر نشده است در قسمت اول این قانون مینویسد: بلدیۀ مؤسسه است که موضوع آن حفظ منافع شهرها و ایفاء حوائج عمومی و تأمین آسایش اهالی شهرنشین است. ما هر روز از برای دهاتی در غیبت غصه میخوریم آنوقت قانون بلدیۀ هم که مینویسیم برای شهرها است و آقای آقا سید یعقوب هم با همه حرارتشان در این خصوص حرفی نزدند.

آقا سید یعقوب - بلی. بلدیۀ برای شهرها است.

فهیمی - عرض این است که بنده هم ممکن است داد بزنم ولی نمیخواهم داد بزنم.

آقا سید یعقوب - بنده جواب شما را میدهم، بنده وکیلیم که قانون وضع کنم پس وکیل چه هستم!؟

فهیمی - التفات فرمائید عرض بنده در ابتداء...

رئیس - توجه کنید در ضمن بیاناتتان کلمات نیش دار نزنید. اسباب زحمت میشود.

فهیمی - اینکه بنده عرض کردم برای این است که در اینجا بلدیۀ را مخصوص میکند بشهرها در صورتیکه بلدیۀ عبارت از شهر باقراء و قصبیات و دهاتی که در اطراف شهرند میباشد که تمام باید در تحت مسائل اساسی و قانون بلدی آن محل باشند از حیث امور حفظ الصحه از حیث امور مکاتب و غیره و باید بلدیۀ نظارت کند در کارهای همه آنها و چون عجلتاً ما یک تقسیمات قاطعی برای تقسیمات اداری مملکت نداریم که معلوم شود چند قریه یا قصبه یا بلوک باید یک بلدیۀ داشته باشد. بلدیۀها را فعلاً منحصر به مراکز یا شهرها کرده ایم ولی دهات و قصبیات راهم که فعلاً بلدیۀ ندارند نباید محروم بکنیم. باید شعبه حفظ الصحه در تمام آن حوزه رسیدگی کند. در قوچان منتها در سال گذشته قریب پانزده هزار بچه از آبله و سرخه سردند فقط یک طبیب صحی در مرکز قوچان نشسته است. کی باید به این امور رسیدگی کند؟ در

دهات اطراف که نمی شود اداره بلدیۀ و حفظ الصحه درست کرد منحصر به اهالی شهرنشین هم که نباید باشد پس باید طوری بشود که اساس حوزه بلدیۀ محدودیه شهر نباشد یک قسمت بلوک که در عمل مالیات و حکومت جزء آن شهر هستند باید رعایت آنها هم در ضمن تأسیس بلدیۀ قانونی بشود. و باز هم در خاتمه عرض میکنم که بنده اساساً مخالف تأسیس انجمن بلدی یا قانون بلدیۀ نیستم بلکه عرض میکنم حالا که ما بلدیۀ تأسیس میکنیم باید یک بلدیۀ مستقلی باشد انتظامات محلی بنفلیه محلی، امنیه محلی، مکاتب محلی. اینها تمام باید با بلدیۀ باشد. یک حدودی از دهات و قراء و قصبیات که جزو حوزه یک شهری است و از هر حیث جزء آن شهر محسوب میشود باید جز بلدیۀ آن شهر محسوب بشود.

رئیس - آقای حائری زاده. (اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده اخطار دارم. اجازه فرمائید.

رئیس - فرمائید.

آقا سید یعقوب - آقای فهیمی در ضمن صحبتشان فرمودند بنده مخالف هستم با آن قانونیکه شما مینویسید بنده وکیل هستم یا نیستم؟ آیا این توهین نسبت به یک نماینده هست یا نیست؟ بنده حق نظر در قانون دارم یا ندارم؟ اگر دارم آقای فهیمی چرا اینطور اظهار کردند؟ چرا؟ و بچه حق سلب و کالت از من میکنند؟ در صورتیکه خودش صریحاً میگوید ما نمی خواهیم دکاتی در مقابل حکومت درست بکنیم همین دلیل مخالفت با بلدیۀ است این عرایض بنده است و بنده از تمام مجلس و ریاست دادخواهی میکنم چرا سلب حق و مداخله در قانون و وضع قانون از من میکنند؟

فهیمی - بنده توضیح دارم.

رئیس - فرمائید.

فهیمی - بنده عرض کردم اینکه آقای آقا سید یعقوب فرمودند فلانی مخالف با قانون بلدی است، بنده مخالف بر قانون بلدی نیستم. بنده با مواد این قانونی که وضع شده است مخالف بودم، این قانونی است که البته ایشان دم در کمیسیون داخله بوده اند و نوشته اند والا عرض نکردم ایشان میخواهند یک قانون بلدی برای بلدیۀ وضع نمایند.

رئیس - از توضیحاتشان معلوم میشود که قصد نداشته اند ادعائی به جنابعالی بکنند.

معاون وزارت داخله - فرمایشات آقای فهیمی راجع بکلیات تشکیلات بلدی در یک قسمت البته صحیح است و ممکن است در ضمن مذاکره مواد البته اصلاحاتی بشود ولی راجع به یک قسمت بنده برای توضیح عرض میکنم که استقلال بلدیۀ را که خاطر نشان فرمودند البته این استقلال در قانون هم محفوظ است ولی با یک کیفیتی که در عمل هم نتیجۀ خوب بدهد مقصود از این استقلال چیست؟ مقصود این است که بلدیۀ طوری تأسیس بشود که کار خودش را بکند و بتواند کار مفیدی هم بکند در این لایحه بطوری که ملاحظه فرمائید ما قائل شده ایم به مؤسسه بلدیۀ به این ترتیب که دارای دو قسمت باشد. یک قسمت قسمت شوری و

یک قسمت قسمت اداری که مجموع این دو قسمت مؤسسه بلدییه را تشکیل میدهد قسمت شوروی نظارت میکنند در امور مالی بلدییه بخصوص در وضع عوارض بلدی و تصویب بودجه بلدییه و کلیه مخارج بالاخره نظارت در جریان امور اداری بلدییه و آنچه متعلق به شهر است. قسمت اداری هم که یک اندازه اتصال بدولت خواهد داشت او در واقع قسمت اجرائی است که تصمیمات بلدییه را اجرا میکند و بالاخره مأمور انجام امور بلدییه است با این شکل بنده تصور نمیکند بلدییه استقلال نداشته باشد. چون در تحت امر شخصی نیست. حالا اگر کیفیت استقلال را بطور دیگر تصور میفرمائید؟ باید پیشنهاد کنید که معلوم شود از چه قرار است و البته اگر قابل قبول باشد پذیرفته میشود. اما اینکه فرمودند حکام بعضی نقاط مثلاً از طرف بلدییه انتخاب شوند بنده عرض میکنم البته شاید در آتی به این ترتیب برسیم و به اندازه ورزیده شویم در امور اداری و اهالی شهرها مان آنها شوند به این کیفیات که حقیقتاً بتوانند مأمورینی را انتخاب کنند که در آن واحد هم در امور بلدی نظر داشته باشند و هم در امور حکومتی که کیفیت سیاسی دارد اقدام نمایند بجهت اینکه الان حکام مأمورین سیاسی ما هستند در صورتی که فرض ما این است که بلدییه راجع به امور شهری فقط نظردارد البته کم کم که این قانون را به موقع اجراء بگذاریم و آشنا شویم به این ترتیبات و تأسیسات البته ممکن است یک روزی هم به آنجا برسیم که حکام هم در بعضی شهرها از اهل شهر انتخاب شوند اگر چه این منافات با یک اصلی هم دارد و آن این است که مأمورین در حوزه ولایتی مأموریت دارند و یک وظایفی دارند که فقط مربوط به شهر نیست به جهت اینکه در یک حوزه ولایتی فرض میفرمائید یک شهر واقع است در صورتیکه قسمت عمده اش را دهات و بلوکات و قصبات تشکیل میدهند و من حیث المجموع بایستی مأموریکه در تمام امور دخالت دارد از طرف دولت معین شود نه از طرف شهر بخصوص. بعلاوه امور بلدی که مربوط به شهر است ارتباطی با دهات نمیتواند داشته باشد اهالی شهر بلدییه دارند برای خودشان، چون بلدییه اختصاصاً راجع به محل است و در امور خارج از حوزه شهری بلدییه نمیتواند نظر داشته باشد البته دهات و قصبات هم باید یک ترتیباتی داشته باشند از حیث صحیه، تنظیفات عمومی و غیره اما اینها مربوط به تشکیلات عمومی مملکت باید باشد یا اینکه یک ترتیبات علیحده داشته باشد بلدییه شهر در حوزه ایالتی صالح نیست دخالت کند باید مربوط به همان حوزه شهری باشد و البته دهات و قصبات هم نباید از ترتیباتیکه لازمه زندگانی آنها است محروم باشند بلکه باید یک قراری هم راجع باعمال دهات و قصبات داده شود و بعلاوه بلدییه باید از عایدی خودش اداره شود. دولت که به بلدییه از مالیه عمومی خودش چیزی نمیدهد چطور میشود فرض کرد که بلدییه را یک شهری از عایدات خودش تأسیس کند و آن بلدییه مجبور باشد که احتیاجات عمومی یک ولایت را ایفاء نماید این عملی نیست. پس باید برای دهات و قصبات هم بفرآخور حال خودشان یک ترتیبات مخصوصی معین کرد نه اینکه آنها را تابع بلدییه شهر که

خورده خورده در عمل مخصوصاً در ولایات طوری خواهد شد که ممکن است یک اصطکاک بین بلدییه ها و عدلیه ها تولید شود. بنده هنوز درست معنی این عبارت را نفهمیده ام و نمیدانم مقصود چیست؟ مناقشات صنفی چطور مناقشاتی است؟ و بالاخره مناقشات اصناف یعنی صنفی با صنف دیگر است یا مناقشات افرادیکه داخل صنف هستند؟ مثلاً اگر یک قصابی بدکار باشد به یک چوبداری مثل اینکه غالباً مبتلا به بلدییه طهران است این گفتگو را آیا خود بلدییه باید خاتمه بدهد یا مقصودشان چیزهای دیگری است؟ اگر مقصود این است که دعوی اصناف را بلدییه ها باید اصلاح کنند؟ بنده مخالفم دعوی هر نوع باشد رسیدگیش مخصوص به محاکم عدلیه و محاکم عمومی است. و اینگونه گفتگوهای صنفی هم باید به محکمه تجارت مراجعه شود و قانون محاکم تجارت را هم که ملاحظه میفرمائید اصناف هم در ردیف تجار هستند و دعاویشان باید به محکمه تجارت احاله شود. این است که بنده با نوشتن این فقره در این جا باین ترتیب مخالف هستم مگر اینکه توضیح شود که مقصود چه نوع مناقشاتی است.

رئیس — آقای حائری زاده. (اجازه)

حائری زاده — همین مثلی که نماینده محترم زدند و امثال آن موجب شده است که این فقره چهاردهم نوشته شود. محکمه فقط نظرش نظر حق است که به بیند دو نفری که با هم نزاع دارند حق با کدام است. بلدییه نظرش نظر تأمین آسایش اهالی است که زندگانیشان را به او سپرده اند معین و مرتب کند. مثلاً مسأله چوبدار و قصاب: چوبدار عبارتست از آن آدمی که گوسفند از قاضی برای شهر میآورد و میفروشد، یک آدم غریب میاید توی شهر و یک عده گوسفند میآورد بین قصابهایی که نمیدانند سرمایه دارند یا ندارند توزیع میکنند که مثلاً یک ماه دیگر بیاید پولش را بگیرد، اگر چنانچه این چوبدار وقتی که برگشت به او گفتند برو عدلیه این شخص سال دیگر گوسفند میآورد و شهر بدون گوسفند میماند در این قبیل مناقشات باید بلدییه دخالت کند که اگر یک قصابی ورشکست شد با سایر همکاران او قراری بدهد که خداش میگذرد که پول این چوبدار را بدهند که سال دیگر این چوبدار گوسفند بیاورد. در اختلافات صنفی باید تا یکدرجه به بلدییه حق بدهیم از نقطه نظر آسایش عمومی دخالت نماید و اختلافات را حل کند. بدیهی است یک قوانین فرعی و نظاماتی هم برای این موضوع باید برقرار شود و لویحش بعداً از تصویب مجلس بگذرد.

رئیس — آقای آقاسید یعقوب. (اجازه)

آقاسید یعقوب — بنده در این ماده دوم که مشتمل بر چهارده جزء است در جزء پنجمش که نوشته شده: (ساختمان و تنظیف معابر، مجاری سیاه، زیرآبها، پل ها و غیره) خواستم عرض کنم بلی حقیقتاً در سال گذشته با این کم آبی گرچه یک عملیات خوبی از طرف بلدییه از حیث مشروب کردن شهر شد و حقیقتاً خیلی حق گردن شهر پیدا کرد ولی نظر به آن مسأله که در قانون اساسی داریم که مداخله در اسلاک غیر ممنوع است خواستم آقای معاون وزارت داخله راجع به نظامنامه مخصوص که خواهند نوشت توضیح

بدهند که یک ترتیبی واقع شود که خوب باشد البته بلدییه باید حفظ منافع عمومی را بنماید و کاملاً بنده هم موافق هستم که مثلاً در موقع قحطی یا سختی بی آبی یک مذاقعاتی که یک عنوان مشروعی داشته باشد واقع بشود به ترتیبی که ملک مردم را هم بدون اجازه تصرف نکرده باشند. خواستم به بینم این عبارت (در تحت نظامنامه مخصوص) نظامنامه اش را بلدییه خواهد نوشت یا انجمن بلدی یا کمیسیون داخله؟ که این جور چیزها در تحت نظر گرفته شود که منافات با اصل مالکیت نداشته باشد و نظر بنده رعایت این مسأله است.

معاون وزارت داخله — البته این نکته را در نظر داشتیم و کاملاً اصل مالکیت محترم است. مقصود فقط تنظیم و نظایات بوده است. البته نظامنامه هم که وضع میشود روی همین اصل است و انجمن بلدی تصویب میکند به تصویب دولت هم خواهد رسید. وزارت داخله هم البته باید تصویب و امضا کند از این جهت البته نگرانی نخواهد بود، اما راجع به مسأله مناقشات صنفی که مذاکره شد بنده یک توضیحی اضافه میکنم و آن این است که نوع مناقشه فرق میکند، مسأله حقوقی بطور مطلق شامل مناقشات صنفی هست ولی فرض نمائید که در کیفیات صنفی معمول است که یک دکانی که در یک محلی هست دیگر دیگری بدون اینکه رعایت یک فاصله معینی را بکند نمیتواند همان دکان را باز کند، اینها نوع امور صنفی است و تصدیق میفرمائید که این گونه امور یک جنبه اختصاصی دارد و جنبه حقوق عمومی را ندارد و حل و فصلش به توسط بلدییه آسانتر است برای آسایش اهالی شهر هم بهتر است.

رئیس — آقای احتشام زاده. (اجازه)

احتشام زاده — موافقم.

رئیس — آقای فیهمی. (اجازه)

فیهمی — خواستم استدعا کنم که اگر آقایان موافقت میفرمائید چون مذاکره در اطراف این فقرات خیلی زیاد است یکی یکی مذاکره شود...

رئیس — تجربه مذاکره معمول نبوده است.

فیهمی — چون اینطور خیلی در هم است و نظریات میماند، در قسمت اول نوشته اند (جمع و خرج عایدات و عوارض نقدی و جنسی بلدی که بموجب قانون وضع میشود) اما معلوم نیست مقصود از این جمع و خرج چیست؟ باید ذکر شود که غرض از این عبارت چیست. و توضیحاً عرض میکنم که اظهاری را که آقای حائری زاده کردند گفتگوی مابین چوبدار و قصاب این مسأله حقوقی است و باید بعدلیه برود و جزو مسائل صنفی حساب نمیشود. مسائل صنفی همان بود که آقای معاون وزارت داخله توضیح دادند که ما بین افراد یک صنف در محل گفتگو میشود.

رئیس — آقای احتشام زاده. (اجازه)

احتشام زاده — در قسمت جمع و خرج که آقای فیهمی فرمودند مقصود چیست بنده عرض میکنم مفهوم آن کلمه بودجه است که انجمن بلدی باید حق داشته باشد بودجه بلدییه. عایدات و مخارج آن را تنظیم بکند. البته عایدات بلدییه و عوارض بلدییه

باید به تصویب مجلس شورای ملی وضع و اجرا شود و در قسمت اعتراض هم که آقای یاسائی فرمودند یعنی مسأله مناقشات صنفی بنده خیال میکنم همیشه قوانین را روی مقتضیات و احتیاجات مردم و اهالی باید وضع کرد امروز سلاخه میفرمایند وضعیت اصناف ما مخصوصاً صنف قصاب در شهر طهران طوری است که یک عادت و جریاناتی هست که ما مجبور هستیم از نقطه نظر حفظ آسایش اهالی و تأمین آن چیزهایی که برطبق عادت در مملکت ما جریان دارد آنها را قانونی بکنیم که برخلاف قانون رفتار نشود. شما میفرمائید که آن چویدار اگر محاکمه دارد باید بروی بعدلیده؟ هیچوقت او نخواهد رفت و به حق خودش نخواهد رسید و دیگر هیچوقت هم گوسفند بشهر نخواهد آورد باین جهت بنده موافقم که برطبق احتیاجات و مصالحی که امروز ایجاب میکند این حق را بدهیم به بلدییه که برای تأمین احتیاجات مردم این حق دخالت را داشته باشد.

رئیس - آقای شیروانی - (اجازه)

شیروانی - یک توضیحی نماینده محترم آقای حائری زاده دادند و یک تأییدی هم آقای احتشام زاده کردند که مسئله دارد کم کم خلط میشود چون بموجب قانون اساسی هیچ جائی صلاحیت رسیدگی به دعاوی را ندارد مگر عدلیه. (نمایندگان - صحیح است) مرجع تظلمات عمومی دیوان عدالت عظمی است این عین عبارت قانون اساسی است مناقشات صنفی آنطوری که ما در شهرها میدیدیم از قبیل همان چیزهایی که آقای معاون فرمودند عبارت است از اولاً عدم رعایت فاصله معینی بین دکانهای و سرفقلی و غیره بوده. اینها چیزهایی است که تولید مناقشات صنفی میکند مسئله باز کردن دکا کین سلمانی و حمامها حتی که حمام یا دولسمانی اگر در یک محل پهلوی هم باز کنند یک نوع مناقشات صنفی تولید میکنند البته آنها یک قسمت هائی است که عدلیه نمیتواند رسیدگی کند یعنی ما لی و حقوقی نیست که صلاحیت ارجاع بانجا را داشته باشد و البته از این قبیل چیزها خیلی زیاد است که قضایای حقوقی نیست و با بلدییه است و این قبیل چیزها را اشخاصی که در بلدییه کار کرده اند بهتر از بنده میدانند یعنی چیزهایی است که جنبه حقوقی ندارد و با بلدییه است ولی در عین حال عرض میکنم که اگر چویدار از قصاب طلب دارد باید بروی بعدلیده، گفتگو هم ندارد بلدییه نمیتواند محکمه حقوقی درست کند، مسئله مناقشات صنفی ارتباط بمسائل حقوقی ندارد یعنی آنچه یک قسمت حقوقی بهش مربوط میشود باید بروی بعدلیده.

رئیس - آقای شیروانی توضیح دادند و معلوم نشد موافق بودند یا مخالف.

شیروانی - بنده موافق بودم.

رئیس - آقای فاطمی. (اجازه)

فاطمی - موافقم.

رئیس - آقای غلامحسین میرزا.

غلامحسین میرزا - عرضی ندارم.

رئیس - آقای شریعت زاده.

شریعت زاده - نسبت بشقوقی که در اینماده ذکر شده است البته باید موافقت کرد ولی این قسمت که مربوط است بقسمت مناقشات صنفی بایستی بقید اهمیت نوشته شود زیرا به موجب اصول اگر یک حق سورد دعوی و اختلاف واقع شود خواه این حق صنفی باشد یا هر حق دیگری باید دید که برای آن حق رسیدگی و انشاء حکمی ضرورت دارد یا نه، و از این نقطه نظر است که بنده مخالفم و معتقدم که باید از یک کلیاتی که ممکن است تماس بکند با قوانینی که مربوط به اصول حقوقی است احتراز کرد. مضافاً به اینکه به موجب قانون اساسی می توان معتقد شد که این قبیل امور از وظائف قوه قضائیه است که یکی از تقسیمات مطلق قوا ما می باشد، بنابراین پیش بینی هائی میشود در این قانون کرد که عبارت باشد از تشکیل محکمه صنفی در روی یک مقرراتی که الان هم بلدییه مان متوجه شده است چنانکه الان صلاحیه بالاخصاص برای امور بلدی در بلدییه هست. بنابراین هر قسم مسائلی که لازم برای حل یک اختلافی که یکی از اصناف یا یک فرد صنفی آن را حق خودش می داند و دیگری حق او نمی داند باید محکمه و حکم باشد و بهتر این است که آقای معاون موافقت کنند که در شور دوم راجع به این قسمت پیشنهاد محکمه بشود که اختلافات صنفی را حل کند تا به این ترتیب این قضیه تأمین شود که ما مجبور نشویم در اینجا بنویسیم که بلدییه که یک مؤسسه شوروی است در امور حقوقی قضاوت خواهد کرد.

فاطمی - عرض می کنم این مسأله مناقشات صنفی که در اینجا ذکر شده است صحیح است، پریروز هم طرحی را که آقای حائری زاده تهیه کرده بودند و امضاء کردیم و در اینجا هم قابل توجه شد راجع به الغاء مالیاتهای صنفی بود و این مناقشات صنفی یک قسمتش راجع به همان مالیات صنفی است و یک قسمت دیگر مسأله دکا کین است که در اینجا گفته شد که بدون یک طرز و قاعده ای کسی نمی تواند برود یک دکان پهلوی دکان کس دیگر باز کند، و یکی دیگر مسأله سرفقلی است که آقای شیروانی فرمودند و حقیقتاً یک درد سری است و البته باید یک فکری برایش بشود و بالاخره قسمت اعظم مناقشات صنفی که اینجا نوشته شده است راجع به مالیاتهای صنفی است که سابق هر ساله اصناف در آخر سال با اطلاع کلانتر می نشستند و مالیاتها را معین می کردند و حالا البته با اطلاع بلدییه این کار انجام میشود و بعد از اینکه ما مالیات اصناف را ملغی کردیم مناقشات صنفی عبارت از همین قضایائی است که در اینجا ذکر شد ولی سایر مناقشات صنفی که عبارت از مسائل حقوقی است البته باید به عدلیه بروی و توضیح هم لازم ندارد و بنده نمی دانم چرا در سر این مسأله یک مذاکرات بی جهتی میشود.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافیست.

رئیس - پیشنهادات قرائت میشود.

(به شرح ذیل قرائت شد)

پیشنهاد آقای یاسائی - بنده پیشنهاد میکنم فقره ۱۴ ساده

احتشام زاده - اگر آقای یاسائی توجه بفرمایند در آخر این ماده نوشته شده است: (و هر چه متعلق به شهر است) البته اگر یک ملک خاصی باشد و یا مالک خاصی داشته باشد متعلق به شهر نیست و وقتی متعلق به شهر باشد متعلق به عموم خواهد بود.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب. (اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده میخواستم به اعضاء محترم کمیسیون و آقای معاون وزارت داخله تذکر بدهم که این ماده در اینجا جایش نیست. برای اینکه ما وقتی که در اینجا می نویسیم (بلدییه) مقصود بلدییه مملکت خودمانست و در واقع بنده به مجرد اینکه بلدییه می گویم چشمم باز میشود به بلدییه موجود یا بلدییه ای که سر جای این باشد و این طوریکه در این ماده نوشته شده است در واقع دیگر چیزی باقی نمی ماند در صورتیکه چیزی در شهر ما نیست که مالک نداشته باشد. مثلاً باغهای این شهر بر دو قسم است یا دولتی است یا شخصی. اگر دولتی است که مأمورین مالیه نمی گذارند کسی از آنجا عبور نماید. اگر هم شخصی است که من رفته ام زحمت کشیده ام و یک باغی درست کرده ام هیچوقت نمی گذارم سورد استفاده عموم واقع شود. و همین طور ساحل رودخانه ها. ساحل رودخانه آنجائی است که آن کسی که نزدیک آن است رفته است و غرس اشجار کرده است. این چه ربطی به عموم دارد؟! همینطور سایر چیزها بنابراین بنده اصلاً با ذکر این ماده مخالفم، زیرا هر چه فکر می کنم یک چیزی که موضوع متعلقه به شهر باشد در اینجا نیست. در شهر ما که پایتخت ایران است چه چیز آن متعلق به شهر است؟ بله میدان گاه فروشها یا میدان امین السلطان گرچه آن هم متعلق به اشخاص است بالاخره بنده می بینم که این ماده هیچ فایده ای ندارد مگر اینکه یک اشکالی هم متوجه میشود که شاید خواسته باشند در املاک خصوصی ملاحظات عمومی هم شده باشد مخصوصاً آقای یاسائی خوب فرمودند، کوچه خاص متعلق است به همان اشخاصیکه خانه شان در آن کوچه است و همچنین سایر چیزها. دیگر اینکه، در اینجا که بیان وظائف بلدییه را میکنیم یعنی اموریکه در تحت نظر بلدییه اداره میشود و وظائفی را که بلدییه دارد، آنوقت بیائیم و یک همچو کاری بکنیم چه معنی دارد؟! این است که با اساس این ماده بنده مخالفم و پیشنهادی هم تقدیم کرده ام و عقیده ام این است که این ماده بروی بکمیسیون و تجدید نظر درش بشود. این بود عرایض بنده.

رئیس - آقای حائری زاده. (اجازه)

حائری زاده - یک جمله ای را منذ کرمیشوم باقیان و آن این است که این لایحه شور اولش است و حتماً تجدید نظر خواهد شد. چه توقع ارجاع بکمیسیون بشود چه نشود، و پیشنهاداتی هم که آقایان تقدیم میکنند همه بکمیسیون می آید و ثانیاً با این مواد تحت شور قرار میگیرد و راپرت ثانوی که آمد بمجلس آنوقت رأی قطعی گرفته میشود، و بهمین دلیل هم مقام ریاست در این پیشنهادات رأی نمیگیرند و احاله میدهند بکمیسیون اما راجع باین کلمه باغها و غیره، خیال میکنم باغهای ملی و عمومی بود و این جمله یا در

دوم به این نحو اصلاح شود: تهیه قراردادها راجع به معاملات صنفی.

پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب - پیشنهاد میکنم در جزء هفتم ماده دوم بعد از کلمه (دارالمجانین) اضافه شود (ودارالعجزه) پیشنهاد آقای فهیمی - بنده پیشنهاد میکنم در ماده دوم مسائل ذیل اضافه شود:

۱ - تهیه بودجه جمع و خرج بلدی به نسبت عایدات و عوارض نقدی و جنسی بلدی که به موجب قانون وضع میشود.

۷ - مراقبت در امور صحنی شهر و دهاتی که در حوزه آنست.

۶ - اقامه دعوی یا مدافعه در محاکم صالحه در مسائل حقوقی که یک طرف آن شهر باشد.

پیشنهاد آقای سهراب خان ساگینیان - بنده پیشنهاد میکنم در آخر بند ۶ اضافه شود: و تعیین وسائل برای آراستگی تدریجی شهر.

رئیس - به کمیسیون ارجاع میشود. اگر آقایان موافقت چند دقیقه تنفس داده میشود.

(در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از یک ربع ساعت مجدداً تشکیل گردید).

رئیس - پیشنهادات آقایان رفیع و زوار و معظمی هم به کمیسیون فرستاده میشود. ماده سوم مطرح است.

(ماده مزبور به شرح آتی قرائت شد)

ماده ۳ - اراضی کوچه ها، میدانها، باغها، پیاده روها، معابر، رودخانه ها، سواحل رودخانه ها، زیرابها و غیره و هر چه متعلق به شهر است محل استفاده عموم می باشد.

رئیس - آقای یاسائی. (اجازه)

یاسائی - عبارت این ماده به نظر بنده وافی به مقصود نیست زیرا به طور مطلق نوشته شده است «اراضی کوچه ها و باغها و رودخانه ها و غیره» در صورتیکه هر یک از اینها تقسیم میشود به خاص و عام، کوچه خاص محل استفاده عموم نمی تواند بشود زیرا آن کوچه مالک آن شخص است که وصل به خانه اش است و همین طور در غالب شهرهای کوچک که رودخانه از کنار یا از وسط شهر عبور می کند سبیه آن هم مال مالکین است که در اطراف آن رودخانه ملک دارند و هیچ مربوط به شهر نیست بنابراین چون عبارت ناقص است بنده پیشنهاد کردم که لفظ عمومی بعد از این کلمات اضافه شود حتی باغات و سایر چیزها.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب. (اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده مخالفم.

رئیس - آقای شیروانی. (اجازه)

شیروانی - مخالفم.

رئیس - آقای شریعت زاده.

شریعت زاده - بنده هم مخالفم.

رئیس - آقای روحی.

روحی - بنده هم مخالفم.

رئیس - آقای احتشام زاده.

طبع ویا درضمن نوشتن راپرت اشتباه شده است. اما اراضی و کوچه‌ها چه خاص باشد و چه عام بلدیہ باید در اینها نظارت کند و تمیز نگاهدارد. یک کوچه‌ای که خاص است نمیشود مزبله‌دان کرد که کثافات را در آنجا بریزند و تولید اسراض بکنند و راجع باغات هم آن باغهایی که در شهر هست و ملی است هیچ. و اگر هم شخصی باشد و یک «دریاچه‌هایی» داشته باشد که تولید اسراض بکند باید بلدیہ در تحت یک قواعد و قوانینی از آنها جلوگیری کند ما اگر خواسته باشیم بلدیہ داشته باشیم و وسائل آسایش مردم شهرنشین را فراهم کنیم باید اجازه بدهیم که بلدیہ در کوچه‌ها و میدانها و معابر خصوصی و عمومی و سواحل رودخانه‌ها اعمال نظر کند. و کثافاتش را پاک کند و اگر غیر از این باشد بلدیہ معنی ندارد.

رئیس — آقای شیروانی (اجازه)

شیروانی — توضیحاتی که نماینده محترم دادند با مفاد این ماده بکلی تباہین دارد. نظارت غیر از تعلق است تمام اینها که ذکر شده نوشته متعلق بشهر است محل استفاده عموم است. چنانچه مینویسد: اراضی کوچه‌ها، میدانها، باغها، پیاده‌روها معابر، رودخانه‌ها، سواحل رودخانه‌ها، زیرابها و غیره هرچه متعلق بشهر است محل استفاده عموم میباشد و اگر ما بخواهیم این ماده را تصویب کنیم بعقیده بنده ما دخالت در خیلی چیزها که وظیفه بلدیہ نیست کرده‌ایم. ولی البته اگر بگوئیم نظارت در معابر اعم از خصوصی و عمومی یا نظارت در باغها و رودخانه‌ها و سواحل آن از وظائف بلدیہ است، این صحیح است و در واقع همان توضیحی است که آقای حائری‌زاده دادند ولی این ماده با توضیحی که ایشان دادند بیچوجه تناسبی ندارد زیرا تمام چیزهایی که ممکن است که ثلثش مال مردم باشد ما میگوئیم محل استفاده عموم است و نمیگوئیم در تحت نظارت بلدیہ است. مثلاً مجرای آب مال یک شخصی است در اینجا نوشته شده محل استفاده عموم است و بالاخره بنده تصور میکنم از این ماده بجهت هزارسوء استفاده بشود کرد و البته باید اصلاح شود.

ضیاء مخیر کمیسیون — بنده توجه آقایان را جلب میکنم باینکه اساساً این ماده با کمال قوت در قانون مصوب بیستم ربیع الثانی ۱۳۲۵ صریح است هیچ تغییری در این ماده داده نشده. اصل ماده این است

ماده ۵ — اراضی کوچه‌ها - میدانها - باغها - پیاده‌روها معابر - رودخانه‌ها - سواحل رودخانه‌ها - زیرابها و غیره و هر چه متعلق بشهر است محل استفاده عموم است. ماسداسیکه این قانون نسخ نشده است. این ماده بقوت قانونی خودش باقی است و در آخرین قانون هم یک ماده‌ایست که قانون مصوب بیستم ربیع الثانی ۱۳۲۵ نسخ و الغاء خواهد شد و البته آقایان متوجه هستند که این قانون شور اولش است و یک قانونی است که در دوره چهارم و دوره پنجم مورد مطالعه تمام کمیسیونهای داخله واقع شده. دولت هم در این خصوص یک توجه خاصی داشته است و نماینده وزارت داخله هم یک صدقه مخصوص نسبت به این

قانون نشان داده است. برای چه؟ برای اینکه بلدیہ (که یکی از مهمترین آثار ملی است و تمام مشروطه طلب‌ها نسبت به این قبیل اصلاحات بی‌علاقه بوده‌اند از این حالت فعلی بیرون بیاید. کمیسیون هم دقت کرده است که برای شور اول هرچه زودتر این لایحه تقدیم مجلس شود و آقایان مطالعه مینمایند و نظریات خودشان را در ضمن مواد پیشنهاد و تقدیم مقام ریاست میکنند و به کمیسیون مرجوع میشود آنوقت تمام آقایانی که پیشنهاد کرده‌اند میتوانند به کمیسیون تشریف بیاورند و با حضور نماینده وزارت داخله نظریاتشان را اظهار مینمایند تا در موقع شورنایی یک قانونی که از نظر همه آقایان گذشته است به مجلس بیاید و تصویب شود.

رئیس — پیشنهادات واصله قرائت میشود.

(به شرح ذیل قرائت شد)

پیشنهاد آقای آقاسید یعقوب - مقام محترم ریاست. پیشنهاد میکنم ماده سوم حذف شود.

رئیس — پیشنهاد آقای آقامیرزا ایدالله‌خان هم در همین زمینه است سایر پیشنهادات قرائت میشود.

(اینطور خوانده شد)

پیشنهاد آقای یاسائی — مقام محترم ریاست مجلس شورای ملی. پیشنهاد میکنم در ماده سوم بعد از کلمه کوچه‌ها و غیره کلمه (عمومی) اضافه شود.

پیشنهاد آقای دکتر طاهری — مقام منبع ریاست مجلس شورای ملی — پیشنهاد میکنم کلمه عمومی بعد از لفظ باغها یادشود.

پیشنهاد آقای میرسمتاز — مقام محترم ریاست مجلس. بنده پیشنهاد میکنم بعد از و غیره نوشته شود آنچه به مالک و متعلق به شهر است محل استفاده عموم است.

پیشنهاد آقای عدل — بنده پیشنهاد میکنم در ماده ۳ لفظ سواحل رودخانه‌ها حذف شود.

ایضاً پیشنهاد آقای عدل — پیشنهاد میکنم پس از لفظ میدانها و باغها نوشته شود عمومی.

پیشنهاد آقای شیروانی — پیشنهاد میشود بعد از جمله متعلق به شهر است اضافه شود تحت نظارت بلدیہ.

پیشنهاد آقای حقنویس — این جانب پیشنهاد میکنم کلمه باغها و کلمه سواحل رودخانه‌ها از ماده سوم حذف شود.

رئیس — پیشنهادات به کمیسیون ارجاع میشود. ماده چهارم قرائت میشود.

(به شرح ذیل خوانده شد)

ماده ۴ — عوارض و عایدات بلدی به مصرف شهر میرسد و متصدی وصول و خرج آن بلدیہ است.

رئیس — آقای یاسائی. (اجازه)

یاسائی — این ماده به ترتیبی که نوشته شده است خوب است ولی ما یک قانونی در دوره پنجم گذرانیدیم و حالا نمیتوانیم بگوئیم محل دیگر اختصاص دادیم برای بلدیہ و حالا نمیتوانیم بگوئیم آن عوارض و عایدات مربوط به بلدیہ نیست زیرا ما در آنجا قید کردیم به بلدیہ داده شود. حالا در اینجا نوشته شده «و متصدی

از وظایف مجلس است با از حقوق اعضاء انجمن بلدی است یا از حقوق وزارت داخله است و باید توضیح بدهند که تعیین این حدود با کیست و کجا باید این حدود معین شود.

معاون وزارت داخله — حدود را بطور کلی درین جا نمیشود معین کرد برای اینکه هر شهری یک وضعیتی دارد و تا یک حدود معینی بلدیہ نمیتواند مراقبت نماید و به هیچ وجه نمیشود در تحت یک اصل کلی درآورد و گفت تا چقدر فاصله اطراف شهر حوزه بلدیہ آن شهر است. چیزی که هست در تعیین حدود و ترسیم نقشه آن بایستی دقت کرد که ما هم پیش‌بینی کرده‌ایم که باید انجمن بلدی با موافقت حکومت حدود را تعیین کند و وزارت داخله هم تصویب کند.

جمعی از نمایندگان — مذاکرات کافی است.

رئیس — ماده شش قرائت میشود.

(به شرح ذیل قرائت شد)

ماده ۶ — منابع انحصارات و امتیازات شهری و منافع حاصله از آنها به بلدیہ اختصاص دارد و به مباشرت مستقیم یا نظارت بلدیہ اداره نمیشود.

ماده ۷ — علامت مخصوص بلدیہ عبارتست از: دورنمای دروازه که نقشه شب و خورشید با شمشیر در جلو آن روی کلید ایستاد باشد و بلدیہ هر شهر مهر مخصوصی به نام آن شهر خواهد داشت.

رئیس — آقای یاسائی. (اجازه)

یاسائی — با صلاح نظر سوابق و قوانین و نظاماتی که قبل از تصویب این قانون بوده است تصور میکنم که اینها در عمل اشکالاتی تولید میکنند و بهتر این است که ما در موقع تدوین قانون اینها را پیش‌بینی کنیم و قیدهایی بشود مثلاً نوشته شده منابع انحصار و امتیازات شهری با بلدیہ است و اگر عوائدی هست که مربوط به شهر است بلدیہ وصول کند. این درست، ولی امتیاز و آگون شهری طهران را بلدیہ نداده است و دولت داده است و بالاخره این ترتیبی که در اینجا ذکرش با آن چیزهایی که در

سابق مقرر بوده منافی است. همینطور مسأله چراغ برق طهران و سایر چیزها و بنده تصور میکنم که درین ماده یک اصلاحاتی بشود که دولت در آن مذایع مداخلاتی نکند و منحصر شود به بلدیہ.

رئیس — آقای حائری‌زاده. (اجازه)

حائری‌زاده — اگر مراجعه بفرمایند به ماده سی و سوم که اسرار رجعه به انجمن بلدی را تشخیص میدهد در آن ماده اینها پیش‌بینی شده است و وظائفش هم معین شده است و بدیهی است طرح این قبیل لوایح را خود شهر باید بکند زیرا غیر از این باشد فلسفه ندارد و همین‌طور مسأله اتوبوس رانی که کمیسیون راپرتش را داده است البته یکی از صنایع شهری است و مملکت در آن دخالت ندارد و یک شهر خاصی دخالت دارد زیرا در کوچه‌ها و خیابانهای طهران که عبور میکند خانه‌های مردم طهران را خراب میکند خانه‌های شهر رشت را خراب نمیکند که وکلای آنها بنشینند و قضیه را حل کنند. بعضی چیزها هست که در قانون اساسی اختیارات را از شهرها گرفته است و حقاً هم بایستی آن اختیارات گرفته شود

وصول و خرج آن بلدیہ است» در صورتی که متصدی وصول آن مالیات مالیه است لهذا بنده خیال میکنم که بایستی این ماده را اصلاح بفرمایند که منافاتی با آن قانون نداشته باشد.

رئیس — آقای حائری‌زاده. (اجازه)

حائری‌زاده — اصلاً بلدیہ چند نوع عایدی ممکن است داشته باشد، مثل مالیات نواقل که بیشتر در تحت نظر بلدیہ بود و بلدیہ آنرا وصول میکند، بعد مجلس پنجم صلاح دانست که آنرا مالیه وصول کند و در مقابل یک مسأله با بلدیہ‌ها کردند که آنها از این قبیل مالیاتها چشم‌پوشند و دولت از عایدات خودش به بلدیہ‌ها بدهد و منافاتی هم با این ماده ندارد در اینجا هم مینویسد که چون دولت به بلدیہ‌ها دستی بده است باید عایدات دولتی را بلدیہ وصول کند، چنین چیزی را ما در اینجا ننوشته‌ایم و آن قانونی هم که آقای یاسائی فرمودند به قوت خودش باقیست و تزلزلی در آن پیدا نشده ولی یک عوارض شهریست که ممکن است بلدیہ بوسیله وزارت داخله پیشنهاد کند و مجلس هم تصویب کند و آن عبارت از این است که هر شهری برای خودش یک عوارض پیش‌بینی کند مثلاً بعضی شهرها کنار رودخانه است بعضی کنار جنگل است و بعضی معبر قوافل است ممکن است برای خودشان از این چیزها یک رقم عایدات پیش‌بینی کنند آنوقت آن عایدات را دولت نباید جمع‌آوری کند زیرا عایدات شهر را باید خود شهر جمع‌آوری کند و دخل و خرجش را انجمن بلدی باید تصویب کند و هیچ منافاتی هم با آن قانون ندارد و آقای یاسائی هم ممکن است نظریه خودشان را پیشنهاد بفرمایند و در کمیسیون صحبت شود.

رئیس — آقای شیروانی. (اجازه)

شیروانی — موافقم.

رئیس — آقای محمدولی میرزا. (اجازه)

محمدولی میرزا — موافقم.

رئیس — آقای باسداد. (اجازه)

باسداد — موافقم.

جمعی از نمایندگان — مذاکرات کافی است.

رئیس — ماده پنج قرائت میشود.

(به طریق ذیل خوانده شد)

ماده ۵ — حوزه بلدی عبارتست از شهر و اطراف آن تا حدود معینه و تعیین و تغییر حوزه بلدی هر شهر با پیشنهاد اداره بلدیہ و موافقت حکومت و تصویب انجمن بحکم وزارت داخله خواهد بود.

رئیس — آقای آقاسید یعقوب. (اجازه)

آقاسید یعقوب — بنده میخواستم به آقای مخبر و آقای معاون وزارت داخله تذکر بدهم که عبارت این ماده مجمل است و بنده نظرم این بود که لااقل در اینجا معین نمایند که شهرهای معظم چقدر و شهرهای کوچک غیر معظم چقدر و کرسی ایالت چقدر و کرسی ولایت چقدر و مرکز پایتخت چقدر و تا چه حدود حوزه بلدی‌شان خواهد بود و بالاخره باید معین شود که تعیین اینها

مثلاً اگر خواسته باشند انحصاری به شعبه خارجی بدهند این قبیل مسائل چون به حیات مملکتی بسته است باید مجلس شورای ملی در آن نظر داشته باشد ولی چون عوائدش مربوط به شهر است و ضررش هم متوجه شهر میشود باید منافعش عاید آن شهر بشود همین طور واگونها و چراغ برقه‌های شهری باید عایداتش بخود شهر برسد حالا جریانش اگر مربوط بداخله است باید به توسط وزارت داخله باشد و اگر اتباع خارجه هستند بایستی با مجلس باشد و اینها یک مباحث علیحده است و البته هیچ تردید ندارد که منافع اینها بایستی به همان شهر عاید شود زیرا مضارش متوجه آن شهر میشود.

رئیس - آقای شریعت‌زاده. (اجازه)

شریعت‌زاده - از نظایه نظر مفهوم کلی که این ماده دارد و راجع است باختصاص منابع انحصارات و امتیازات شهری به بلدییه نمیتوان مخالفت کرد ولی نظر آقای یاسائی نماینده محترم این بود که باید سعی کرد که همیشه تماس و اصطکاک کفایی که در نتیجه تشخیص سفاهت است که ممکن است به آن واسطه بین مؤسسات مملکتی واقع شود جلوگیری کرد و بنده معتقدم که باید در این ماده تصریح شود که امتیازات اختصاصی به شهر از چه قبیل است و اگر تشخیص نشود ممکن است امتیازات دیگری که یک مؤسسه دیگر مملکت آن را مشمول این ماده نداند بلدییه بخواهد در آن دخالت کند، آن وقت این اختلافات را کی رفع میکند؟ بنابراین هیچ دلیلی ندارد که ما به طور کلی در قانون یک چیزهایی را بنویسیم که در آتییه اسباب زحمت شود و البته چون مشکل نیست و آقای معاون وزارت داخله هم اطلاعاتشان خوبست بهتر این است این قبیل مسائل را تعیین کنند.

معاون وزارت داخله - البته اگر محتاج بتوضیح باشد توضیح داده خواهد شد. ضرری هم ندارد ولی این اصلی که در اینجا نوشته شده است خوب مطلب و موضوع را تعیین میکند که امتیازات و انحصارات شهری مثل تراموای شهر مثل چراغ برق شهر اینها یک منابعی است که ممکن است موضوع امتیازات و انحصارات واقع شود و مسلم است که اینها راجع بعموم مملکت نیست و راجع بشهر است و با وجود این اگر محتاج بدانند که یک ذکر هم از نوع این امتیازات و موضوعات بشود هیچ اشکالی ندارد و البته احتیاطاً ذکر میکنیم.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است؛

رئیس - ماده هفت قرائت میشود.

(بشرح ذیل قرائت شد)

ماده هفت - علامت مخصوص بلدییه عبارتست از دورنمای دروازه که نقشه شیر و خورشید با شمشیر در جلو آن روی کلید ایستاده باشد و بلدییه هر شهر مهر مخصوصی بنام آن شهر خواهد داشت

رئیس - آقای فرشی (اجازه)

فرشی - این موضوع دروازه که اینجا نوشته شده مناسبتی ندارد و بنده عقیده‌ام این است که یا یکی از آثار تاریخی ایران باشد یا سردرب مجلس شورای ملی. زیرا بعضی شهرها هست که هیچ

معاون وزارت داخله - همانطور که عرض کردم باداره امنیه اخطار شد که یا در این اراضی دخالت ننمایند یا اینکه موجبات رضایت مالکین را بعمل بیاورند و یک توضیحاتی هم داده‌اند و فعلاً مشغول مذاکره با آنها هستند در اینصورت تصدیق میفرمائید که اقدام شده و تصفییه خواهد شد.

رئیس - آقای ساک مدنی سؤالی دارید؟

ملک مدنی - خیر در موضوع این صدنیم معارف که آقای وزیر معارف اظهار کردند این برخلاف آن قانونی است که گذشته، مثلاً در ولایت ما الان شروع کرده‌اند بگرفتن این مالیات حالا پس از اینکه گرفتند بخواهند برای جای دیگر تخصیص بدهند اینکه نمیشود!! ملایر و تویسرکان صدنیم معارف بدهند آنوقت بمصرف خراسان برسد؟! بعقیده بنده این برخلاف قانون است و مجلس هم نباید همچو موافقتی بکند.

رئیس - جلسه آتییه روز سه‌شنبه سه ساعت قبل از ظهر، دستور اولاً قانون بلدی، ثانیاً اتوبوس رانی.

(مجلس سه ساعت بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس - سید محمد تدین

منشی - امیر تیمور کلالی منشی -

تأسیسات محلی بکند. ولیکن من حاضر هستم که هذله‌سنه مبلغ صد هزار تومان از این بابت بدهم یعنی پنجاه هزار تومان از بابت هذله‌سنه و پنجاه هزار تومان از بابت سنه آتییه که شروع بشود بتأسیس مدارس ولایات و بعد در سال بعد هر قدر شد بموجب صورت حساب میکنیم اگر صدنیم زیادتر شد محسوب میکنیم و اگر کسر شد کسر میگذاریم و فعلاً بنده مشغول هستم برای تهیه مقدمات آن و البته لایحه آن صد هزار تومان بمجلس خواهد آمد و مجلس شورای ملی هم تصویب خواهد فرمود و از روی آن صد هزار تومان هم یک صورتیکه تقسیمات جزء آن معین شده باشد یعنی برای هر جائی چقدر، آنرا هم تقدیم مجلس میکنیم که پس از تصویب شروع شود.

رئیس - آقای احتشام‌زاده. (اجازه)

احتشام‌زاده - بنده چندی قبل سؤالی از وزارت داخله راجع باراضی که جنب اداره امنیه است کرده بودم که بدون جهت تصرف کرده‌اند و آقای معاون وزارت داخله فرمودند «تحقیق میکنم در صورتیکه صحت داشته باشد جلوگیری میکنیم» و تا بحال هیچ اقدامی نکرده‌اند و اراضی یک‌عده صغیر بدون جهت در تصرف اداره امنیه است، استدعا میکنم در این موضوع اگر تحقیقاتی کرده‌اند جواب بدهند.

دروازه ندارد بنابراین بنده معتقدم که یا یکی از ابنیه تاریخی مثل تخت جمشید باشد و یا سردرب مجلس شورای ملی. دروازه معنی ندارد.

رئیس - آقای احتشام‌زاده.

احتشام‌زاده - مقصود ازین علامت این است که یک نماینده باشد برای هویت بلدییه‌ها و بنده تصور میکنم که بهترین چیزی که شهر را تظاهر میدهد همان دروازه است و تصدیق میکنم که بعضی شهرها دروازه ندارد ولی بطور کلی معلوم است که مقصود از دروازه اینست که علامت شهر است و بالاخره برای بلدییه بهترین علامت همین علامت است.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

رئیس - پیشنهاد ختم جلسه شده است. آقای وزیر معارف فرمایشی دارید؟

وزیر معارف - دوفقره تجدید کثرت دونفر از معلمین مدرسه حقوق است که در دوره سابق بکمیسریون رفته بود و تمام هم شده بود و چون مجلس در شرف اختتام بود همین‌طور ماند عجلتاً تقدیم میشود که تصویب شود.

رئیس - بکمیسریون بودجه و معارف و خارجه فرستاده میشود. آقای بیات.

بیات - بنده سؤالی از وزارت معارف کرده بودم خواستم ببینم اگر ممکن است جواب بدهند والا بماند برای جلسه بعد.

رئیس - بفرمائید.

بیات - راجع بقانون سمیزی اسلاک که در دوره پنجم گذشت یک صدنیم برای تأسیس مدارس ابتدائی در بلوکات و دهات در آن قانون مقرر شد و ازقراری که بنده اطلاع دارم در بعضی قسمتها آن قانون بموقع اجرا گذاشته شده است. چون مدت آن را مجلس دو سال قرارداد بود وزارت مالیه بطور تبعیض آن قانون را در بعضی نقاط شروع باجرا کرده. بعضی جاها اجرا شده و بعضی جاها نشده، خواستم از آقای وزیر معارف سؤال کنم که آن مبلغی که وصول شده بچه صورتی است و در چه موقعی درصدد هستند آن مدارس را افتتاح کنند و بالاخره نقشه را که برای اجرای این کار کشیده‌اند چیست و از چه تاریخ آن وجهی که گرفته میشود بمصرف میرسد و این مدارس افتتاح میشود یا خیر.

وزیر معارف - در چندی قبل همان‌طور که اظهار فرمودند

راجع بصدنیم که مجلس شورای ملی برای مدارس ابتدائی هر جائی تخصیص داده است خود بنده با دکتر میلیسپو مذاکره کردم و تقریباً همین بیاناتی را که آقای بیات فرمودند گفتم که سی‌گوبند در بعضی جاها شروع شده است بگرفتن آن مالیات جدید که صدنیم هم جزء آنست و بنابراین لازم است وزارت معارف از حالا تهیه ترتیب آن مدارس را بدهد که این وجوهیکه اخذ میشود در محل خودش بمصرف برسد، آقای دکتر میلیسپو گفتند: بله در بعضی جاها شروع شده ولی بطور عموم نیست و از حالا نمیتوانیم مبلغی که از این راه حاصل میشود بطور کلی بگوئیم چه مبلغ خواهد بود که برطبق آن وزارت معارف بتواند یک